

سینا مدرن CineModern

پرونده ی ویژه: بتمن

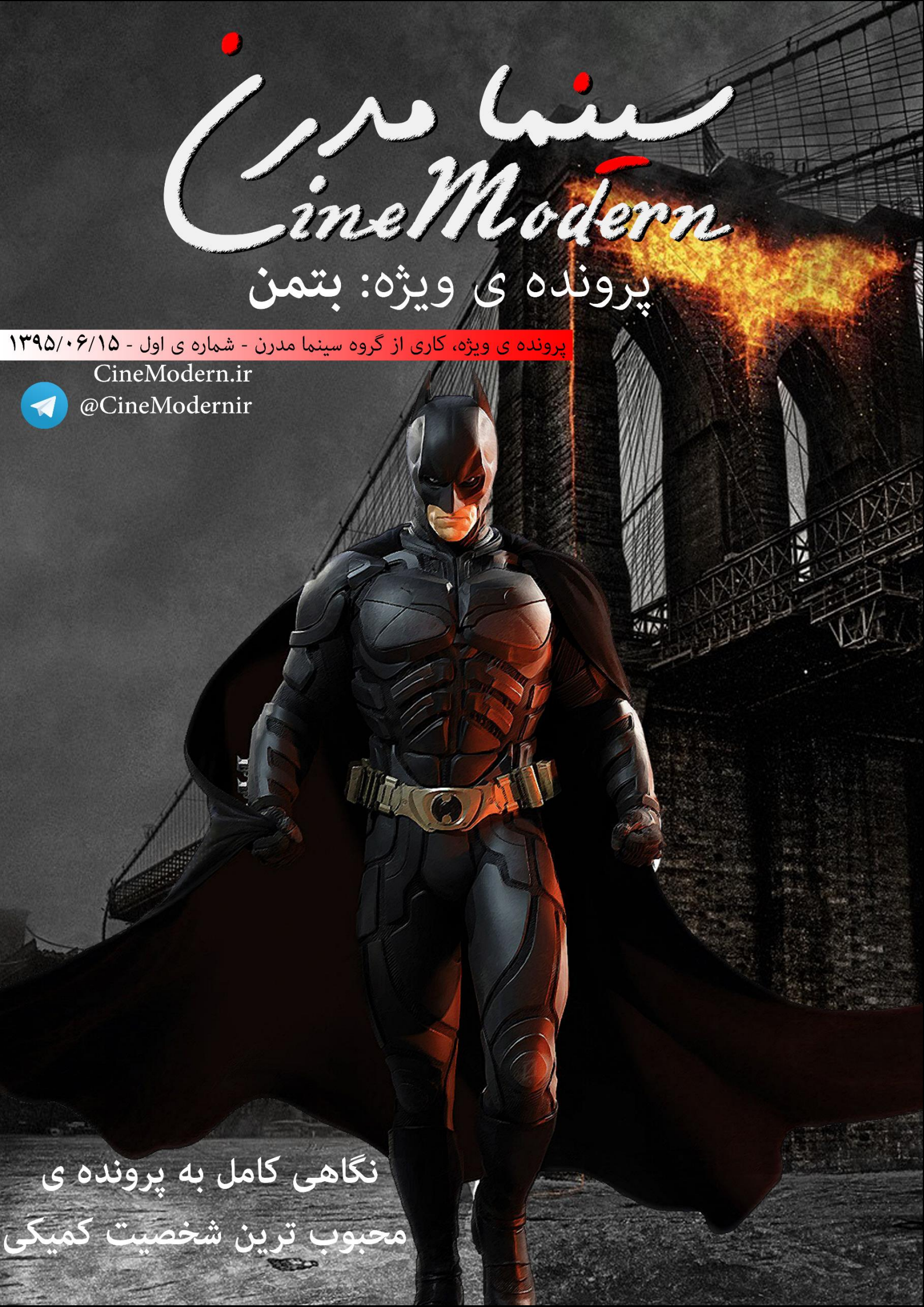
پرونده ی ویژه، کاری از گروه سینما مدرن - شماره ی اول - ۱۳۹۵/۰۶/۱۵

CineModern.ir

@CineModernir



نگاهی کامل به پرونده ی
محبوب ترین شخصیت کمیکی



سخنی چند از نویسنده

تصمیم گرفتیم که با سری مقاله های پرونده ویژه، در خدمت شما باشیم. در این سری مقاله ها سعی داریم هر دفعه یک شخصیت یا سری فیلم رو انتخاب کرده و تا حد ممکن تمام اطلاعاتی که می توانیم رو در اختیار شما بگذاریم.

در اولین شماره از پرونده ی ویژه به سراغ بتمن، این ابرقهرمان خاص (که بعدا دلیلش را توضیح خواهم داد که چرا خاص!) رفتیم؛ و سعی کردیم مقاله ای تا حد ممکن کامل در اختیار شما قرار دهیم. البته بتمن بیشتر از این ها جای کار دارد و در یک مقاله نمیتوان تمام جنبه ها و ابعاد لازم آن را مورد بررسی قرار داد.

صد در صد تصور دنیایی بدون بتمن برای طرفدارانش دیوانه کننده است. یادم می آید آن زمان ها که چند سالی بیشتر نداشتم، ناخودآگاه با دیدن بتمن به یاد تبهکارانی ترسناک می افتادم و حس تنفری از او به من دست می داد. بعد ها که یکی از کمیک های بتمن و سوپرمن را خواندم حس بهتری نسبت به او داشتم. ولی علاقه ی من نسبت به این مبارز سیاه پوش از جایی شروع شد که به تماشای یکی از شاهکار های سینمایی در مورد این شخصیت نشستیم. بله، این شاهکار، فیلم شوالیه ی تاریکی اثر کریستوفر نولان فکید بود! توانایی او در واقعی جلوه دادن این شخصیت ستودنیست؛ و می توان به نوعی آقای نولان را متحول کننده ی بتمن نامید!

ضرب المثلی بین دوستداران بتمن هست که میگوید "هیچ چیز بالاتر از عشق نیست، مگر بتمن. بتمن از هر چیزی با ارزش تره!"

امیدوارم این مقاله مورد پسند شما عزیزان قرار بگیرد.

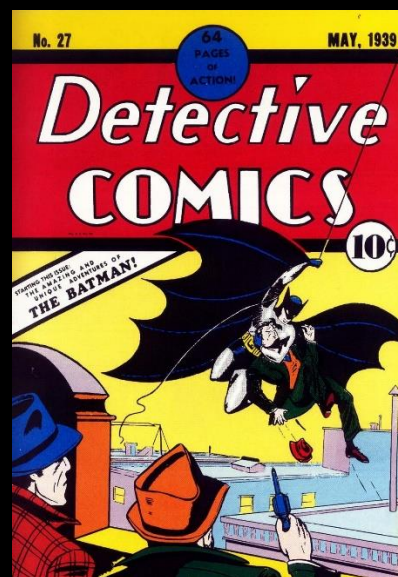
سینا بیات



ظهور تاریکی

بتمن شخصیت دوست داشتنی و قهرمان همیشگی بسیاری از کودکان و حتی بزرگسالان است. او توسط باب کین (نقاش) و بیل فینگر نویسنده ی کتاب های کمیک خلق شد، و برای اولین بار در شماره ی ۲۷ ام "کمیک های کارآگاهی" ظاهر شد. بتمن نقابی همچون "مبارز شنل پوش"، "شوالیه ی تاریکی" و "بزرگ ترین کارآگاه دنیا" را به خود اختصاص داده است.

به عنوان یک نماد فرهنگ آمریکایی، تاکنون اقتباس های زیادی از بتمن در رادیو، تلویزیون، فیلم ها، بازی های رایانه ای و اسباب بازی ها صورت گرفته است. این شخصیت روانپزشکان را هم شیفته خود کرده و بسیاری از آن ها به دنبال فهم روان او هستند. در مه ۲۰۱۱، بتمن بعد از سوپرمن در رتبه دوم فهرست «۱۰۰ شخصیت کمیک بوکی برتر تاریخ» که توسط IGN منتشر شد، قرار گرفت. Empire هم او را در رتبه دوم برترین شخصیت های کمیک بوکی تاریخ قرار داده است.



اولین حضور بتمن در کمیک های کارآگاهی شماره ۲۷

بروس وین، شخصیتی است که پشت نقاب سیاه بتمن پنهان شده است. خودش دلیل نقاب بر

چهره داشتنش را اینگونه بازگو می کند که "وقتی تنهایی به قهرمان بازی مشغول میشی، برای محافظت از اطرافیانت، شخصیت رو مخفی نگه دار!". البته شخصیت او آنچنان هم مخفی نیست، و ۲۴ نفر از هویت اصلی او خبر دارند. از جمله ی این افراد، آلفرد پنی ورث، لوشس فاکس، باریارا گوردون (دختر جیمز گوردون/بت گرل)، کلارک کنت (سوپرمن)، دیک گریسون (نایت وینگ/رایبن)، دکتر هیوگو استرنج (روانشناس نابغه و دشمن بتمن)، جوکر، لویس لین (خبرنگار و دوست دختر سوپرمن)، راس الغول، تالیا الغول (دختر راس الغول)، تیم دریک (رایبن)، والی وست (فلش) و واندروومن می باشند.

وین تاجر و میلیونر آمریکایی است. پدرش توماس وین دارای استعداد پزشکی و فردی نیکوکار است. توماس وارث ثروت خانوادگی وین پس از پاتریک وین می باشد که از طریق صنعت و املاک و مستغلات توسط نسل های قبلی ساخته شده است. مارتا وین مادر بروس وین می باشد. هنگامی که بروس هشت ساله بود، پدر و مادرش او را به تماشای یکی از فیلم های زورو بردند، هنگام بازگشت به ماشین از کوچه ای خلوت عبور می کنند در همین حال یک فرد مسلح (به نام جو چیل) اقدام به سرقت گردنبد مارتا می کند و به ضرب گلوله هر دوی آنها رامی کشد و بعداً آن کوچه را "کوچه جرم" (Crime Alley) می نامند.



کوچه ی جرم. جایی که والدین بروس به قتل رسیدند.

پس از قتل والدین بروس، جیمز گوردون که آن زمان افسر پلیس ساده ای بود او را به اداره پلیس

می برد و کتش را روی دوش او می اندازد. خود بروس می گوید "قهرمان هر کسی میتونه باشه، حتی کسی که گتشو روی دوش یه پسر بچه میندازه که بهش بفهمونه دنیا تموم نشده!" و از همان موقع گوردون می شود قهرمان بروس وین! (تصور کنید قهرمان یک ابرقهرمان بودن چه مقامیست!) بروس قسم می خورد تا شهرش را از شر خلافکاران پاکسازی کند. پس از این آلفرد پنی ورث، خدمتکار وفادار خانواده ی وین برای بروس پدری می کند، و تا ۱۸ سالگی از اموال توماس وین برایش مراقبت می کند. وقتی او به ۱۸ سالگی می رسد تمام ثروت توماس به پسرش می رسد.

علی رغم تمکن مالی بروس، خوشبختی هیچ گاه به سراغش نمی آید. «دکتر لسللی تامپکینز» او را تسلی می بخشد و به وی کمک می کند تا برای والدینش سوگواری و برای خود هدفی در زندگی مشخص کند. در سن چهارده سالگی بروس سفری دوازده ساله را به دور دنیا آغاز می کند تا افراد ماهر را در زمینه های مختلف ملاقات کند. در طول این سفر است که او خود را از نظر جسمانی و روانی پرورش می دهد. او به تحصیلات آکادمیک نیز می پردازد و در



دانشگاه کمبریج انگلستان، سوربون فرانسه و دیگر دانشگاه‌های مشهور اروپا به تحصیل مشغول می‌شود. مردی فرانسوی به نام «هنری دوکارت» طریقه‌ی تعقیب و شکار تبهکاران، نینجایی به نام «کیریجی» روش‌های مخفی کاری، بیابان نشینی آفریقایی هنر شکار و راهبان نیالی درمان زخم‌ها را به او می‌آموزند.

چرا خفاش!؟

بروس به شهر گاتهام (Gotham City) باز می‌گردد و تبدیل به یک یاغی می‌شود. اما او با وجود تمام مهارت‌هایش، می‌داند چیزی وجود دارد که در نظر نگرفته است. او در اوایل کار بدون هیچ لباس خاصی و فقط با یک پارچه روی صورتش و یک رادیو بی سیم، کار خود را انجام می‌دهد، اما وقتی میبند که "خیر، اینگونه هیچ فایده نمودی!" و مورد عنایت تنی چند از خرده تبهکاران قرار می‌گیرد، به فکر چاره می‌افتد! بروس بر این عقیده است که تبهکاران افرادی به شدت خرافاتی و بزدل هستند.



او برای غلبه بر شرارت در گاتهام نیاز به نمادی وحشت آور دارد تا ترس به دل تبهکاران بیاندازد. بروس جوان ما در همین فکر‌ها سیر میکرد که خفاشی ناخوانده به اتاق مطالعه اش وارد شد. او از این اتفاق الهام گرفته و نماد خفاش را برای خود انتخاب می‌کند؛ حیوانی که ترس کودکی او بود حالا به ترس خلافکاران این شهر بدل شده بود. نمادی که حتی شنیدن درباره اش هم لرزه به اندام گردن کلفت ترین تبهکاران این شهر می‌انداخت! بروس به سراغ آقای فاکس، دوست و همکار قدیمی پدرش می‌رود و از او درخواست کمک می‌کند. آقای فاکس هم تجهیزات نظامی سرّی که با توماس وین روی آنها کار کرده بود، را نشان بروس می‌دهد. و اینگونه می‌شود که داستان شوالیه‌ی تاریکی آغاز می‌شود!

خلق بتمن

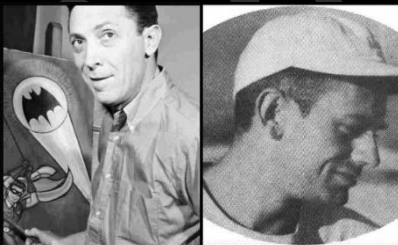
اوایل سال ۱۹۳۹، موفقیت داستان‌های مصور سوپرمن در اکشن کمیکس، سردبیران بخش کمیک انتشارات ملی (که بعدها دی‌سی نامیده شد) را بر آن داشت که ابرقهرمان‌های بیشتری به عنوان داستان‌های مصورشان بیفزایند. بتمن این شخصیت دوست داشتنی در ابتدا توسط باب کین طراحی شد. ولی در واقع باب کین و بیل فینگر هر دو این طرح را کامل کردند. بیل فینگر همکار باب کین می‌گوید: «کین از ایده‌اش راجع به شخصیت بتمن با من صحبت کرده بود و دوست داشت طرح‌هایش را بینم. من به خانه‌اش رفتم و او یک شخصیت طراحی کرده بود که شبیه به سوپرمن بود با لباسی تنگ و مایل به سرخ، با چکمه و بدون دستکش، به همراه یک ماسک دومینو بر روی صورتش و در حالی که از یک طناب آویزان شده بود. او مانند خفاش دو بال داشت که زیر آن علامتی بزرگ از بتمن بود. بال‌های خفاشی، همانند شل، ایده

کین بود که از بال زن لئوناردو داوینچی الهام گرفته بود.»



اولین طرح ارائه شده توسط باب کین

اکثر جزییات طراحی لباس بتمن پیشنهادهای بیل فینگر بودند. در ابتدا کین بتمن را با لباسی قرمز و سیاه و یک نیم نقاب به همراه بال طراحی کرده بود. فینگر پیشنهاد کرد که لباس را به رنگ سیاه و خاکستری در آورند تا ظاهر شخصیت بیش از پیش تهدیدآمیز و شوم به نظر برسد. دیگر پیشنهاد او این بود که به جای نیم نقاب از یک ماسک و به جای بال از شل استفاده کنند. فینگر همچنین از کین درخواست کرد که شیوه‌ی به تصویر کشیدن چشمان بتمن در پشت نقاب را تغییر دهد و کین را وادار کرد تا چشمان بتمن را به نقاطی سفید تبدیل کند. همینطور برای او دستکشی به لباس اضافه کردند که بتمن از خود هیچ اثر انگشتی به جای نگذارد.

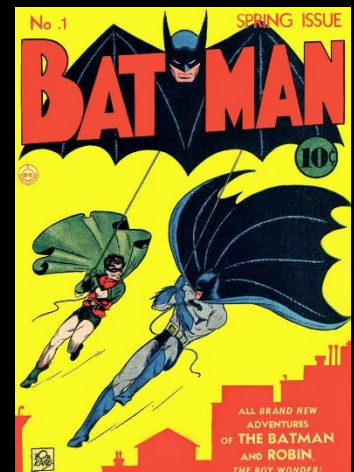


تصویری از بیل فینگر (راست) و باب کین (چپ)

خلق جنبه‌های مختلف شخصیت بتمن، پیشینه، ظاهر و تجهیزات این شخصیت از ویژگی‌های فرهنگی محبوب آن سال‌ها نظیر فیلم‌ها، مجلات عامه‌پسند، کمیک‌استریپ و تیترو روزنامه‌ها تاثیر پذیرفت و حتی تاثیر جنبه‌های شخصیتی خود

کین نیز در بتمن مشهود است. دو مورد از فیلم‌های مورد علاقه‌ی کین، منبع الهام اصلی خلق بتمن به حساب می‌آیند، یکی از این فیلم‌ها نجوای خفاش (The Bat Whispers) بود که در سال ۱۹۳۰ با اقتباس از رمانی رازآلود به قلم "مری رابرت رابن‌هارت" ساخته شد. شخصیت اصلی این رمان، کارآگاهی است که شخصیت پنهانی به نام خفاش دارد. دیگر فیلمی که در خلق بتمن بر کین تاثیر گذاشت، نشان زورو (The Mark of Zorro) ساخته شده به سال ۱۹۲۰ بود. همینطور گفته می‌شود که گاهی در فیلم‌ها و کمیک‌ها این طور نشان داده شده که بروس قبل از به قتل رسیدن والدین‌اش این فیلم را تماشا کرده است.

بتمن خیلی زود پس از معرفی‌اش محبوب شد و در سال ۱۹۴۰، انتشار کمیک‌بوک اختصاصی‌اش، بتمن، شروع شد. با گذشت دهه‌ها، تفاسیر مختلفی از این شخصیت ظهور کرد. بعدها چندین خالق کمیک، سعی کردند تا این شخصیت را به ریشه‌های تاریک خود بازگردانند که این امر با سوالیه‌ی تاریکی بازمی‌گردد (۱۹۸۶) نوشته‌ی فرانک میلر به اوج خود رسید و به دنبال آن بتمن: شوخی مرگبار، نوشته آلن مور و تیمارستان آرکهام: خانه‌ای خطرناک بر روی زمینی خطرناک، نوشته گرنٹ موریسون منتشر شد.



کاور اولین کمیک اختصاصی بتمن

خصوصیات شخصیتی بتمن و

بروس وین

گذشته بتمن تاکنون بارها مورد تجدیدنظرهای کوچک و بزرگ قرار گرفته است. با این حال چند عنصر از زندگی او همواره ثابت مانده‌اند. عناصر ثابت گذشته او در واقع همان داستان خاستگاه بتمن است. او در کودکی، شاهد کشته شدن پدرش دکتر توماس وین و مادرش مارتا وین بوده و این واقعه به شدت بر زندگی او تأثیر می‌گذارد و آسیب‌های روانی بر او وارد می‌کند. همین واقعه باعث می‌شود تا تصمیم بگیرد که هویتی نامعلوم، با جرم و جنایت در گاتهام سیتی مبارزه کند.

بروس وین، در زندگی روزانه خود، یک کارخانه دار میلیاردر، ولخرج، خوشگذران و خیر است. او از طریق بنیاد خیریه خود، کارهای بشردوستانه انجام می‌دهد.

وین برای منحرف کردن افکار عمومی از یکی بودن هویت وین و بتمن، در مهمانی‌ها وانمود می‌کند که در مصرف الکل زیاده روی می‌کند و مست می‌شود؛ ولی در حقیقت هرگز از الکل استفاده نمی‌کند تا تواناییهای ذهنی‌اش مخدوش نشوند. همچنین همواره در انظار عمومی، خود را چنین نشان می‌دهد که با زنان متعددی رابطه دارد (بالاخره به آدم پولدار تا دلش بخواد دختر دور و برش ریخته!).

شخصیت بروس وین، به عنوان فردی در ظاهر بی‌عرضه و بی‌خیال و ثروتمند ولی در حقیقت قهرمان و ماجراجو، قبل از داستانهای بتمن، در داستان زورو سابقه داشته است. دون دیگو دلاوگا، قهرمان داستان زورو، همچون بروس وین، فردی ثروتمند و اشراف زاده است که در انظار عمومی، فردی احمق قلمداد می‌شود ولی در حقیقت، علیه بی‌عدالتی در برابر قانون مبارزه می‌کند.

یکی از خصوصیات اصلی بتمن، قانون نکشتن است. بتمن هیچ وقت کسی را نمی‌کشد، بلکه با استخوان‌های خرد شده و دندان‌های فرو رفته درون حلق، آن‌ها را در خیابان‌های سردرها می‌کند (کلاً اعصاب نداره!). او برای این کار آموزش دیده است، و می‌داند که سقوط از یک ارتفاع کسی را می‌کشد یا فقط استخوان‌هایش را میشکند!

او همیشه هم مخالف استفاده از تفنگ و کشت و کشتار نبوده است. بتمن فعلی ما از اسلحه‌ها نفرت دارد و از آن‌ها در هیچ صورتی استفاده نمی‌کند؛ که با توجه به این که والدین او توسط سلاح گرم به قتل رسیدند امری بسیار طبیعی است. ولی بتمن باب کین در اوایل، همیشه در گشت‌های شبانه‌اش تفنگی همراه خود داشت. این موضوع به زودی توسط خود شخص باب کین تغییر یافت، چرا که به نظر او حمل اسلحه توسط بتمن (با توجه به این که پدر و مادرش با اسلحه کشته شدند) درست به نظر نمی‌رسد. در اولین حضور بتمن در کمیک‌های کارآگاهی او یکی از تبهکاران را با مشت به درون حوضچه‌ی اسید می‌فرستد، و حتی سعی در نجات دادنش نمی‌کند.



جایی که بتمن یک تبهکار را به درون اسید می‌فرستد!

بعد ها مدیران DC تصمیم گرفتند که بتمن نباید کسی را به قتل برساند و روی این مسئله بسیار پافشاری کردند؛ و توجیه قتل‌های قبلی که بتمن مرتکب شده بود را اینگونه ارائه کردند که، دنیا‌های موازی بسیاری وجود دارند (برای مثال دنیایی وجود دارد که سوپرمن در آن عضو نیروهای شوروی است!) و این قتل‌ها ممکن است در یکی از این دنیا‌ها اتفاق افتاده باشد (در یکی از بخش‌ها در ادامه به توضیح یکی از این

دنیاها خواهیم پرداخت). اما هنوز هم می توان گفت که بتمن با نداشتن جوکر، مجوز قتل صد ها یا حتی شاید هزاران بی گناه را صادر کرده است!

یکی از خصوصیات این قهرمان دوست داشتنی نشان ندادن نقطه ضعف از خود در برابر دشمنان است. به همین خاطر او فردی بی احساس و کاملاً خشک به نظر می آید، در حالی پشت این نقاب، بروس به هیچ وجه چنین شخصیتی ندارد. عدم وجود نقطه ضعف در بتمن به گونه ای است که در کمیک Doom وقتی وندال وحشی (Vandal Savage) قصد از پا درآوردن اعضای لیگ عدالت را داشت، هر کدام را با نقاط ضعفشان (سوپرمن را با کریپتون، فانوس سبز را با ترس و ضعف اراده، واندروومن را با عطش سیری ناپذیرش برای مبارزه و....) از پا در می آورد، ولی چون نقطه ضعفی برای بتمن پیدا نمی کند، راهی جز فرستادن Bane به سراغش ندارد؛ و در همین مبارزه هم شوالیه تاریکی با نبوغ سرشار خود، او را از پا در می آورد. و به کمک بقیه ی اعضای لیگ عدالت می شتابد.



بتمن همچنین بسیار محتاط است. وقتی عدالت جوینان از او می پرسند چگونه ممکن است که

کسی از ضعف های فیزیکی و ذهنی ما خبردار باشد، بتمن می گوید «تمام این نقشه ها کار من بودند. من تمام گذشته و حال شما را مطالعه کردم، نقاط ضعف شما را یافتم، و محض احتیاط (اگر به دشمن ملحق شدید، یا مختان تاب برداشت و کار های احمقانه انجام دادید) نقشه هایی برای از کار انداختن (نه کشتن!) شما طراحی کردم. اما کسی نقشه های من را درزدید، کمی تغییر داد و قصد جان ما را داشت!

وقتی اعضای لیگ عدالت می پرسند اگر همین اتفاق (ملحق شدن به دشمن یا معیوب شدن مغزش!) برای تو می افتاد چه؟ (تمام این افراد با هم از یک بتمن می ترسند! چه ابهتی!!!) بتمن پاسخ می دهد «مطمئنم شما راهی برای متوقف کردنم پیدا می کردید» سوپرمن در جوابش می گوید «ما به هیچ وجه چنین کاری نمی کردیم» بتمن هم ادامه می دهد «پس شما فقط یه مشت احمقید!»

یک ابر قهرمان خاص!

گفتم بتمن ابر قهرمان خاصی است، اما چرا؟ اگر کمی توجه کنیم می بینم که بیشتر ابر قهرمانان دارای نیروی های فوق بشری هستند. ولی در مورد بتمن متفاوت است، او هیچ قدرت خاصی ندارد و از توانایی ها و تجهیزاتی که خود اکثر آنها را به دست آورده در راه مبارزه با بی عدالتی و ظلم استفاده می کند.

او از مهارت های علمی، مهارت های کارآگاهی، قابلیت های فیزیکی، هنرهای رزمی (بتمن تسلط کامل به ۱۸ فن رزمی دارد)، تکنولوژی، ثروت، و ترس و به وحشت انداختن خلافکاران، استفاده می کند. همچنین، او استاد تغییر چهره است و برای جمع آوری اطلاعات، از هویت جعلی **ماچز مالون** یک خلافکار بدنام، استفاده می کند.

بتمن به عنوان تک شخصیت کمیکی درآمذزایی بسیاری دارد و از نظر اکثریت یکی

از محبوب ترین شخصیت های ابرقهرمانی در دنیای مجلات کمیک است.

تجهیزات و توانایی های بتمن

لباس

لباس بتمن (Batsuit)، شبیه به خفاش است تا لرزه بر اندام تبهکاران گاتهام بیاندازد. این لباس از تن پوش، شورت (!)، ماسک، شل، دستکش و چکمه تشکیل شده است. تا پیش از دهه ۹۰، تن پوش او، خاکستری است و شل، ماسک، دستکش، شورت و چکمه ی او، معمولاً یا سیاه است (با هایلایت خاکستری یا آبی) و یا به طور کامل، آبی؛ بنابراین لباس بتمن، یا ترکیبی است از سیاه و خاکستری و یا از آبی و خاکستری. در دهه ۹۰، لباس او تمام سیاه می شود و به علامت خفاش ساده روی سینه اش، بیضی زرد رنگی افزوده می شود.

جنس لباس اولیه، پارچه ای معمولی بود و زره محافظ نداشت. در بتمن #۱ (بهار ۱۹۴۰)، یک حلقه ضد گلوله به لباس دوخته شده است. در شماره های بعدی، جنس لباس تغییر می کند و دیگر پارچه معمولی نیست؛ بلکه از ماده ای تخیلی ساخته شده که در برابر پارگی، حرارت و جریان الکتریسته مقاوم است.



نمونه ای از لباس بتمن در دهه ی ۴۰. یک اسلحه در دست او می بینید!



جنس شئل در داستانهای مختلف بتمن، متفاوت است. گاهی از پارچه‌ای معمولی ساخته شده است که به راحتی پاره می‌شود و گاهی از ماده‌ای ساخته شده که ضد گلوله و عایق حرارت است. در یکی از داستانهای بتمن، دندانهای انتهای شئل، در حقیقت تیغهایی هستند که بتمن از آنها در مبارزه‌هایش استفاده می‌کند.

دستکش

دستکش بتمن اغلب از چرم سیاه رنگ است و در زیر آن سه تیغه مثلثی وجود دارد.

در نخستین شماره بتمن، دستکش او تا مچ دستش و به رنگ بنفش بود. در شماره بعدی، او اصلاً دستکشی نداشت. در شماره‌های بعد طول دستکش بلندتر شد. نهایتاً در ۱۹۴۰، تیغه‌ها به زیرش اضافه شدند.

بترنگ (Batrang)

بومرنگی که شکل و شمایل خفاش دارد معمولاً برای خلع سلاح کردن دشمنان به سمتشان پرتاب می‌شود. نوعی از بترنگ وجود دارد که بتمن می‌تواند با کنترل از راه دور جهت حرکت آن را کنترل کرد.



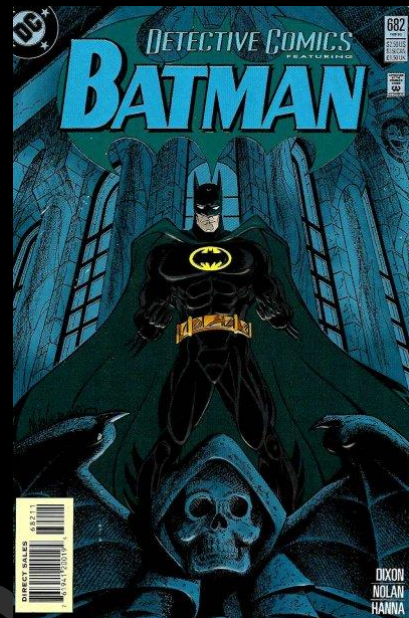
نمونه ای از یک بترنگ

Batclaw

به این ابزار Grappling Hook هم گفته می‌شود. وسیله‌ای که قلابی را که در سر آن موجود است را پرتاب می‌کند. بتمن از این وسیله برای خلع سلاح کردن یا بالا رفتن از ارتفاعات



دستکش‌های بنفش بتمن در اولین شماره کمیک اختصاصی اش



نمونه ای از لباس بتمن در دهه ی ۹۰.



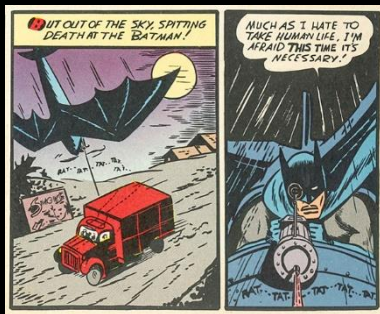
Hellbat، زرهی که سوپرمن روی سطح خورشید برای بتمن ساخت تا بتواند از لیگ عدالت در برابر خطرهای بزرگتر محافظت کند. قطعات این لباس توسط اعضای لیگ عدالت تهیه شده اند.

شنل

شنل بتمن، پارچه‌ای با لبه دنداندار است که به هنگام سقوط آزاد، همچون پاراگلایدر از آن استفاده می‌کند. در برخی از طراحیها، روی شانه‌های شئل، برآمدگی‌ای وجود دارد که یاد آور انگشت شست در بال خفاش است.

Batwing

حضور بت وینگ یا Batplane اولین بار در شماره ۳۱ کمیک های کارآگاهی بود. بت وینگ اولین بار با اسم Bat-Gyro معرفی شد. در این شماره از کمیک ها، بتمن با Batwing به تعقیب کامیونی می پردازد که یک بیمار روانی جهش یافته را با خود حمل می کند. بتمن با اسلحه ی نصب شده روی بت وینگ راننده ی کامیون را می کشد و پس از آن هیولای پشت کامیون را در حالی که از گردن به بت وینگ آویزان شده به بالا می کشد. هیولای جهش یافته در حال تلاش برای رهایی، جان می سپارد. (دو قتل در یک کمیک!) بعداً Bat-Gyro به Batplane تغییر یافت. در فیلم شوالیه تاریکی بر میخیزد Batwing با ظاهری متفاوت و به اسم The Bat معرفی شد.



اولین حضور بت وینگ در شماره ۳۱ کمیک های کارآگاهی



صحنه ی اعدام غول بیچاره توسط بتمن!



بت موبیلی که در دهه ی ۶۰ در فیلم بتمن از آن استفاده می شده است.



این بت موبیل در سال ۱۹۸۹ برای فیلم بتمن طراحی شد.



بت موبیل معرفی شده در فیلم بتمن آغاز می کند



بت موبیل در فیلم BvS



بت موبیل طراحی شده در بازی Arkham Knight

استفاده می کند. Batclaw در داستان ها و فیلم های مختلف اشکال مختلفی دارد.



نمونه ای از یک Batclaw

دستگاه EMP

(Electro-Magnetic Pulse). دستگاهی که برای از کار انداختن سلاح ها و تجهیزات الکتریکی به کار برده می شود.



EMP در فیلم شوالیه تاریکی برمی خیزد

Batmobile

یکی از مهم ترین تجهیزات بتمن که از همان شماره های اول همراهش بود. بتمن از این وسیله برای جابجایی سریع تر بین نقاط مختلف شهر استفاده می کند. در طول زمان اشکال متفاوتی از بت موبیل ارائه شده است.

اولین حضور بت موبیل همراه با اولین ورود بتمن در شماره ۲۷ ام کمیک های کارآگاهی بود.



اولین حضور بت موبیل در کمیک های کارآگاهی شماره ۲۷ ام، به تاریخ ماه می ۱۹۳۹.



جیم گوردون

جیم گوردون اولین بار در شماره ۲۷ کمیک های کارآگاهی در کنار بتمن ظاهر شد. گوردون پیش ملحق شدن به نیروی پلیس، در نیروی دریایی ایالات متحده خدمت می کرد. این باعث شد او مهارت های لازم و کارآمدی برای آینده کسب کند. او پس از چند سال خدمت در نیروی پلیس گاتهام سرانجام مقام رئیس پلیس این بخش را کسب می کند. اغلب مواقع برای حل پرونده های جنایی پیچیده با استفاده از سیگنال بتمن که روی پشت بام اداره ی پلیس نصب شده از او کمک می خواهد.

با اولین حضور بتمن، مخالفت های گوردون شروع می شود و می خواهد هرطور شده او را دستگیر کند. اما کم کم رابطه پلیس با بتمن خوب می شود و او به عنوان عضو افتخاری پلیس گاتهام سیتی انتخاب می شود.

پس از مرگ بروس وین در کمیک Batman: Digital Justice که در آینده اتفاق می افتد، جیم گوردون لباس ربانی بتمن را به تن می کند و جایگزین او می شود.

آلفرد (Alfred J. Pennyworth) توسط باب کین و بیل فینگر خلق شد و اولین حضور او در شماره ۱۶ کمیک اختصاصی بتمن به تاریخ آوریل ۱۹۴۳ بود.

آلفرد دوست قدیمی و خدمتکار توماس وین است. پس از به قتل رسیدن توماس و مارتا، آلفرد قیم قانونی بروس بود و به صورت تمام وقت از او مراقبت می کرد. در زبان انگلیسی به خدمتکار بتمن نیز گفته می شود؛ بنابراین به او بتمن بتمن هم گفته می شود! او با حرف های خردمندانه اش بروس و بتمن را راهنمایی می کند و گاهی با شوخ طبعی ملایمی که دارد بروس را از ناراحتی و غم در می آورد. او تا آخرین لحظه به بروس وین وفادار می ماند و تحت هیچ شرایطی هویت بتمن را فاش نمی کند. حتی وقتی در کمیک شوالیه ی تاریکی باز می گردد، بتمن به مبارزه ی سوپرمن می رود، آلفرد در عمارت وین می ماند و از همانجا او را راهنمایی می کند.

در اولین حضور آلفرد در کمیک ها، او فردی با اضافه وزن و صورتی عاری از سیل بود. بعد ها که William Austin نقش او را بازی کرد، مدیران DC تصمیم گرفتند که آلفرد کمیک ها شبیه او باشد، پس وزنش را کم کردند و یک سیل نازک به صورتش اضافه کردند.



اولین حضور آلفرد به عنوان یک کارآگاه چاق!



تصویری از Batplane



تصویری از The Bat در پشت صحنه ی فیلم The Dark Knight Rises

شخصیت های مرتبط با بتمن

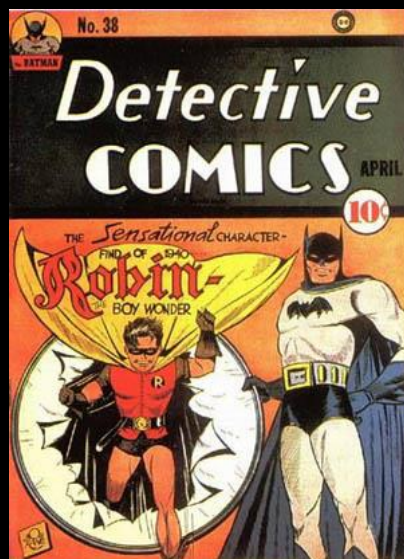
همراهان

آلفرد پنی ورث



تصویر آلفرد بر روی کاور کمیک شماره ۶۸۶ بتمن، طراحی شده توسط الکس راس

کند را رابین می نامند. اولین حضور رابین در شماره ۳۸ کمیک های کار آگاهی بود. تا کنون پنج رابین معرفی شده اند که به معرفی آن ها خواهیم پرداخت.



اولین حضور رابین

ریچارد دیک گریسون

دیک اولین دستیار بتمن در کمیک های بتمن است. او در کودکی همراه با پدرش ریچارد و مادرش ماری در سیرک هالی کار می کرده است. دیک، والدینش و خانواده عموی او که به آن ها "flying Graysons" می گفتند، در سیرک هالی آکروبات بازهای معروف بودند. در یکی از اجراها، دیک در هشت سالگی خود شاهد به قتل رسیدن والدینش بود؛ اما بروس وین که در بین تماشاچی ها بود، سر پرستی دیک را به عهده می گیرد. بروس که خود تجربه از دست دادن پدر و مادرش را داشت، دیک را طوری بزرگ کرد که مثل خودش شخصیتی عصبی و تاریک نباشد.

تمرینات دیک از زمانی که بروس راز خود را به او گفت (۸ سالگی) تا سیزده سالگی او بود، از آن پس او در لباس رابین به بتمن کمک می کرد. اما به دلیل رابطه بروس با بنگرل (باربارا گوردون که در آن سن دوست دختر دیک بود)، بروس و دیک با هم دعوا می کنند و دیک از بروس



تصویری از جیم گوردون

باربارا گوردون

باربارا دختر جیم گوردون یکی از شخصیت های مهم در سری کمیک های بتمن است. اولین حضور او در شماره ی ۳۵۹ کمیک های کار آگاهی بود. در اولین ملاقاتش با بتمن در اداره ی پلیس گاتهام، باربارا علاقه مند به تفکر و روش بتمن می شود و به او در لباس بت گرل (Bat Girl) کمک می کند. در کمیک شوخی مرگبار، جوکر برای دیوانه کردن جیم گوردون، به ستون فقرات باربارا شلیک کرده و او را برای همیشه روی ویلچر می نشاند. اما باربارا هنوز هم از همکاری با بتمن دست بر نمی دارد و در قالب اوراکل (Oracle) او را همراهی می کند. او از معدود افرادی است که از هویت بتمن خبر دارد.



برخورد بت گرل و جیم گوردون، جیم نمی داند دخترش به بتمن کمک می کند!

رابین

رابین کیست؟ در واقع هر فردی که برای اولین بار تحت نظر بتمن آموزش دیده و فعالیت می

جدا می شود. از آن پس، دیک به بتمن (برای مدتی نچندان زیاد) پیوست؛ او برای مدتی با لباس رابین به بتمن کمک کرد، اما بعد لباس Night wing را طراحی کردند، و دیک از آن به بعد به فعالیت جداگانه خود به عنوان نایت وینگ ادامه داد.



بتمن در کنار نایت وینگ

جیسون تاد

دومین رابین در سری کمیک های بتمن، جیسون تاد است. اولین حضور او در شماره ۳۵۷ کمیک بتمن بود. او در کودکی فقیر بوده است و در یک شب لاستیک های ماشین بروس را در می آورده است که بروس او را می بیند و از رفتن به زندان خلاص می کند؛ بتمن جیسون را به فرزندخواندگی قبول می کند.

در یکی از نبردهای رابین و بتمن با جوکر، جوکر رابین (جیسون) را در یک انبار زندانی می کند و پس از شکنجه دادن او، جوکر انبار را



رد هود در بازی شوالیه ی آرکهم

تیم دریک

کار خود را شروع کرد و ادامه داد. تیم از اخلاق و رفتار خوبی برخوردار است، اما با اینکه زمان تعلیم او با بروس از بقیه رابین ها بیشتر بود، قدرت کمتری، نسبت به رابین های دیگر دارد.



تصویری از تیم دریک در کنار بتمن در بازی شوالیه ی آرکهم

استفانی براون

استفانی چهارمین دستیار بروس بود. اولین حضورش در شماره ی ۶۴۷ کمیک های بتمن بود. بعد از این که تیم دست از کار با بروس کشید، استفانی که از دوست های تیم بود، رابین شد. استفانی اخلاق و رفتاری شبیه به باربارا گوردن (بتگرل) دارد و گاهی هم با لباس بتگرل ظاهر می شود. اما متأسفانه استفانی در طی یکی از جنگ ها با جوکر، کشته می شود.

دیمین وین

دیمین وین پسر بروس وین و تالیا، پنجمین رابین در سری کمیک های بتمن می شود و به او

تیموتی دریک اسم کامل سومین دستیار بتمن است. اولین حضورش در شماره ی ۴۳۶ کمیک های بتمن بود. او جانشین دیک گریسون در سیرک هالی بود و در آنجا کار می کرد، تا زمانی که تیم پی می برد بتمن حالا دستیار، با لباس رابین ندارد؛ بنابراین تیم که کار آگاه بسیار خوبی بود، پی می برد دیک گریسون که رابین بوده و الآن نایت وینگ است، بتمن را با لباس رابین ترک کرده و فقط گاهی اوقات با لباس نایت وینگ به او کمک می کند. پس تیم از دیک خواهش می کند که دوباره از لباس رابین استفاده و کند و وقتی دیک اصرار تیم را می بیند، او را به بتمن معرفی می کند تا رابین جدید شود.

بروس در ابتدا با این تصمیم کاملاً ناموافق بود؛ زیرا نمی خواست که دیگر یک دستیار جوان داشته باشد که شاید در یک جنگ او را در حال مرگ ببیند، اما با اصرار دیک و تیم و دیدن استعداد های تیم، بروس متقاعد می شود که تیم به عنوان دستیار جدید بتمن تعلیم ببیند.

تیم به سری کارتون های young justice پس از اینکه دیک لباس نایت وینگ را پوشید پیوست، البته او با لباس رد رابین (red robin)

منفجر می کند و جیسون را می کشد. بعد از مدتی شخصیتی جدید به نام رد هود (نام قدیمی جوکر) وارد گاتهام می شود و به کشتن تبهکاران می پردازد. رد هود همان جیسون است که پس از کشته شدن توسط جوکر، راز الغول که بیش از شش قرن با حمام گرفتن در چشمه آب جوان کننده، هنوز زنده است، به خاطر عذاب وجدانی که داشت جیسون را در چشمه آب جوان کننده انداخت، تا بر اساس افسانه ها که می گفتند این چشمه قابلیت زنده کردن مرده ها را نیز دارد، او را زنده کند و به رنج بتمن پایان دهد؛ اما اوضاع آن طور که می خواست پیش نرفت و جیسون با عقل و جسمی ناسالم به این دنیا بازگشت. پس از چند درگیری بین رد هود (Red Hood) و بتمن، بروس متوجه می شود رد هود همان جیسون است.

بعد از اینکه بتمن، Black Mask و همراهانش را از آتش گرفتن توسط جوکر نجات می دهد، جیسون را پیدا می کند که در ساختمانی متروکه در حال شکنجه دادن جوکر است. وقتی بتمن می رسد، رد هود به بتمن می گوید: ((با اسلحه جوکر را بکش تا من به تو پیوندم و اگر به من تیر بزنی، من هم جوکر را با گلوله می زنم و هردو می میریم)) اما بتمن بر خلاف عقیده رد هود تفنگ را می اندازد؛ رد هود به بتمن در حالی که داشت از ساختمان خارج می شد، تیری شلیک کرد؛ بتمن جا خالی داد و هنگام شلیک تیر بعدی سر تفنگ رد هود را بست؛ جیسون با دست خونی خود، بمب را فعال کرد، ساختمان را منفجر کرد و سپس برای همیشه گاتهام را ترک کرد.

جیسون تاد در بازی بتمن شوالیه آرکهم در قالب شوالیه آرکهم باز می گردد تا با همکاری مترسک (Scarecrow) انتقام خود را از بتمن بگیرد و او را بکشد. در این مورد در بخش های بعدی بیشتر توضیح خواهیم داد.

زن گربه ای (Catwoman)

اولین حضور زن گربه ای در شماره ی اول بتمن بود. باب کین، خالق شخصیت بتمن، اولین بار در بهار ۱۹۴۰، زن گربه ای را با نام گربه وارد داستان های بتمن کرد. او می خواست به داستان های بتمن کسی را اضافه کند که بتواند به عنوان شخصیت مکمل زن، خوانندگان زن را جذب کند. او این شخصیت را تا حدودی از ژان هارلو بازیگر فیلم های دهه ۳۰، اقتباس کرده بود.

هویت اصلی زن گربه ای "سلینا کایل (Celina Kyle)" می باشد. سلینا کودکی غم انگیزی دارد. مادرش، ماریا، پس از آن که مورد تجاوز وحشیانه قرار گرفت، خودکشی کرد و کمی بعد، پدرش، برایان، به علت زیاده روی در مصرف الکل، مرد. پس از آن، سلینا را به مراکز بازپروری که برای نوجوانان بزهکار و یتیم بود، منتقل کردند. سلینا، در محله های فقیر نشین گاتهام، از طریق دزدی توانست زنده بماند. تیزهوشی و مهارتش در ژیمناستیک، او را تبدیل به ماهرترین سارق گاتهام کرد.

شخصیت بت وومن بین دو قهرمان زن مجله های جریان اصلی انتشارات دی سی تقسیم شده است که هر دو کاترین کین نام دارند. در نسخه های اولیه او را کتی و در سری جدید کیت خطاب می کنند.



اولین حضور بت وومن!

عجله کن بتمن! بت وومن داره تو این مأموریت از ما جلو میزنه!

کمک می کند. اولین حضورش در شماره ی ۶۵۵ کمیک های بتمن بود. او در اوایل با خود بروس کار می کرد اما بعد مدتی با دیک که در لباس بتمن بود کار کرد و بعد دوباره پیش بتمن واقعی برگشت. دیمین پسری فضول و بسیار عصبانی است و بیشتر اهل این است که با تبهکاران بی هیچ رحمی بجنگد و آن ها را بکشد. دیمین از طرف لیگ assassins و بتمن تعلیم دیده است و در کار با شمشیر نیز بسیار وارد است. دیمین در سینمایی لیگ عدالت علیه تایتان ها هم حضور داشت. در حال حاضر دیمین به عنوان رابین در کمیک های بتمن حضور دارد.

بت وومن (Batwoman)

اولین حضور بت وومن در شماره ی ۲۳۳ کمیک های کارآگاهی است. در تمام نسخه های کمیکی، بت وومن وارث ثروت هنگفتی است که - با الهام از بتمن - آن را در راه مبارزه با جنایت در شهرش گاتهام سیتی خرج می کند.



باب کین، در مورد این که چرا او، زن گربه‌ای را به شکل گربه طراحی کرده‌است، می‌گوید: «من احساس می‌کنم که زنان، شبیه گربه و مردان، شبیه سگ هستند. در حالی که سگ‌ها وفادارند و رفتاری دوستانه دارند، گربه‌ها سرد و غیرقابل اعتمادند... فهمیدن احساسات گربه‌ها همانقدر دشوار است که فهمیدن احساسات زنان.»

همچنین باب کین و بیل فینگر (نویسنده داستان‌ها) شخصیت زن گربه‌ای را این گونه توضیح می‌دهند: «دشمنی با رفتار دوستانه، که هر چند مجرم است، ولی بتمن به او علاقه دارد.»

اگرچه زن گربه‌ای در اصل، یکی از شخصیت‌های منفی (منفی، نه دشمن!) داستان‌های بتمن است، ولی نمی‌توان به طور قطع به او نام ضد قهرمان داد. او خصوصیات اخلاقی خاصی دارد، مثلاً هر چند سارق حرفه‌ای است، ولی هرگز مرتکب قتل نمی‌شود. یا گاهی در برابر خطرات بزرگتر، با بتمن همراهی می‌کند.

او نشان دهنده شخصیت خاکستری، در میان شخصیت‌های سیاه و سفید داستان‌های ابرقهرمانی است.



جایگزین های بتمن

دشمنان

Black Mask

بتمن زور-ان-آره

Bane

او همزادی مهار نشده بود که بتمن برای حفاظت از خودش در صورت تهاجم به روان پایه‌ای‌اش ساخته بود. این بتمن اعلام کرد «من چیزی هستم که با حذف بروس از معادله به دست می‌آید...!»

ازرائیل (Azrael)

بعد از اینکه بین کمر بتمن را طی داستان Knightfall در سال ۱۹۹۳ شکست، ژان پل والی نقش بتمن را به عهده می‌گیرد. این هویت در پیوستگی زمانی توسط افراد مختلفی به کار گرفته می‌شود، و بعد از مرگ والی، شخصی به نام مایکل واشینگتن لین به عهده‌اش می‌گیرد.

دیک گریسون

بعد از اینکه ازرائیل مجبور به کنار گذاشتن بتمن می‌شود و قبل از بازگشت بروس وین، دیک هویت بتمن را به عهده می‌گیرد. بعد از مرگ ظاهری بروس، دیک گریسون بدل به بتمن جدید می‌شود. با بازگشت بروس، دیک به ایفای نقش نایت‌وینگ بازمی‌گردد.

Black Mask

در اتحاد با آرتورو رودریگز خبرنگار، ماسک سیاه کمپینی را برای بی‌اعتبار کردن بتمن طی "جنایت جنگی" آغاز می‌کند. در حالی که رودریگز در مطبوعات به بتمن حمله می‌کند، ماسک سیاه در هیئت بتمن دست به ارتکاب چند قتل می‌زند.

اولین حضور بین در شماره ی اول بتمن: انتقام بین بود. او در سال ۱۹۹۳ توسط چاک دیکسون خلق شد. او همچنین با نام های مستعار مرد ماسک دار و نیو شناخته می شود.

بین در سانتا پریسکا در کارائیب به دنیا آمد. پدر بین، ادموند دورانس (که در داستان‌های بتمن به کینگ اسنیک معروف است) بود.

بین در زمان نوجوانی به دلیل ضربه هوشی بالایش چهار زبان انگلیسی، اسپانیایی، پرتغالی و لاتین را آموخت و در سری قسمت‌های بتمن: انتقام بین قادر به حرف زدن به هر چهار زبان بود. در همین سری‌ها بین مبارزه‌ای سخت را با شخصی از پنادورا داشت که نزدیک به مرگ بود اما از مرگ نجات پیدا کرد.

بین دارای هیکل بزرگ و نیروی وی از یک انسان عادی خیلی بیشتر است. بین از ضربه هوشی و حافظه بالایی برخوردار است و تخصص زیادی در فنون جنگی و ایجاد استراتژی‌های جنگی می‌باشد. او از ماده ای به نام ونوم برای بالا بردن قدرت و حجیم تر کردن عضله هایش استفاده می کند. او تنها کسی می باشد به طور فیزیکی آسیب جدی به بتمن وارد می کند. در کمیک سقوط شوالیه (Kinghtfall) کمر بتمن را می شکند و بتمن برای مدتی تا زمان بهبود یافتنش مخفی می شود.



بین کمر بتمن را می شکند

او برای اولین بار در بتمن شماره ۳۸۶ در اوت ۱۹۸۵ ظاهر شد. نام واقعی او رومن سایونیس Roman Sionis است. او از ثروتمندان گاتهام سیتی است که از بتمن و بروس وین متنفر است. خالقان بلک ماسک داگ مونچ و تام مندریک هستند.

رومن از خانواده یهودی و ثروتمند سایونیس در شهر گاتهام زاده شد. پدر و مادرش از توماس وین و مارثا وین، والدین بروس وین، متنفر بودند اما به دلیل حفظ موقعیت اجتماعی با آنها دوستی ظاهری داشتند. وقتی رومن پا به جوانی گذاشت در شرکت پدرش که شرکت لوازم آرایشی بنام ژنوس بود سمت مهمی را بر عهده می‌گیرد و سپس عاشق منشی‌اش سیرکا می‌شود اما پدرش که سیرکا را در شأن خانواده‌شان نمی‌دید با ازدواج رومن و سیرکا مخالفت کرد. سپس رومن بخاطر سیرکا، عمارت والدینش را به آتش کشید و آنها را کشت و بعد با سیرکا ازدواج کرد و صاحب اصلی شرکت پدرش شد. اما بعد از کشته شدن پدر و مادرش، از پس اداره شرکت پدرش بر نیامد و کمپانی سایونیس به دلیل تولید ماده آرایشی سمی ورشکست شد و بعد همسرش سیرکا از او طلاق گرفت. در این بین بروس وین کمپانی سایونیس را خرید و رومن به خاک سیاه نشست. رومن برای انتقام ماسکی از چوب تابوت پدرش می‌سازد تا از بروس وین انتقام بگیرد. او که به هویت واقعی بتمن پی برده، تصمیم می‌گیرد با او مبارزه کند. اما روزی در نبردی مفرش آتش می‌گیرد. بتمن به او کمک می‌کند اما دیگر خیلی دیر شده است و ماسک سیاهش در آتش جذب پوستش می‌شود، او از این پس دیگر رومن سایونیس نیست و هویت تازه‌ای دارد: **بلک ماسک**. بعد این واقعه انجمنی بنام صورت کاذبان تأسیس می‌کند که هدفش گسترش جنایت در گاتهام است، اعضای این انجمن نقاب سیاه و عینک دارند. او در نهایت توسط زن گربه‌ای به قتل می‌رسد.

Poison Ivy

اولین حضور آیوی در شماره ۱۸۱ کمیک های بتمن بود. آیوی قدرت ارتباط برقرار کردن با گیاهان را دارد. او یکی از قدیمی ترین دشمنان بتمن است و به عنوان بدنام ترین تروریست زیستی شناخته می شود. هیچ سمی روی او اثر ندارد.

او گیاه شناسی به نام (پاملا ایزلی) که تحت تأثیر گیاهی سمی به شکل زنی با بدن و صورت سبز و دارای چشمانی مسحور کننده در می آید که می تواند مردان را وسوسه کند و برده خویش کند.



اولین حضور آیوی



آیوی در بازی شوالیه ی آرکهم

آیوی در بازی شوالیه ی آرکهم به بتمن کمک می کند و برای نجات شهر گاتهام جان خود را

تفنگ است هم فندک و هم چاقو و سیگار برگی نیز دارد.

اسوالد فرزند خانواده ثروتمند کابلپات بود که ثروتمندترین افراد گاتهام بودند. وی موجودی ناقص الخلقه بود با بینی بلند و از کودکی به پرندگان علاقه داشت و در آینده نیز دزدی هایش را بوسیله آنان انجام می دهد. بعد از مدتی تامس وین پدر بروس وین باعث ورشکستگی آنان می شود و اسوالد از خاندان وین متنفر می شود و این شاید یکی از دلایل تنفر او از بتمن یا بروس وین باشد. او در بزرگسالی وارد شغل قاچاق می شود با وجود ورشکستگی همچنان پولدار است و تبهکاران زیادی را دور خود دارد.

تمساح قاتل (Killer Croc)



اولین حضور تمساح در شماره ی ۳۵۸ کمیک های کارآگاهی بود. او از بدو تولد دارای نقص پوستی بود و این موضوع باعث جهش ژنتیکی او می شود و تبدیل به یک انسان حیوان نما به شکل تمساح می شود و والدینش او را در فاضلاب رها می کنند. کراک در فاضلاب بزرگ می شود و کم کم شعور انسانی اش را از دست می دهد و به حیوانی بی عقل تبدیل می شود. او از خفاش می ترسد و به همین دلیل با بتمن دشمن است.



ماسک سیاه روی کاور شماره ی ۶۳۶ بتمن

پنگوئن



اسوالد چسترفیلد کابلپات یا پنگوئن از نخستین دشمنان بتمن است و در شماره ۵۸ کتابهای مصور بتمن، سال ۱۹۴۱ در اولین حضورش به تصویر کشیده شد. او اغلب قاچاقچی بازار سیاه است. کلوپ های شبانه محملی برای فعالیت های غیرقانونی اوست.

او معمولاً بینی بدقواره و بلند و قدی کوتاه با پیکری چاق دارد. صورتش چاق است و مویش اندک است با عینکی تک چشمی. گاه بصورت موجودی ناقص الخلقه با سه انگشت نیز دیده شده مثلاً در فیلم بازگشت بتمن اثر تیم برتون اینگونه بود. او همچنین چتری دارد که هم

Hugo Strange



پروفسور هیوگو استرنج دانشمند و نابغه روانشناسی از شروران کمیکهای بتمن است. وی برای اولین بار در کمیک شماره ۳۶ بتمن توسط خالقان بتمن باب کین و بیل فینگر وارد داستانهای بتمن شد.

هیوگو استرنج مانند معنی اسمش (استرنج یا استرنج) به معنی انسانی عجیب است. او شبها بوسیله پرتوی مخصوص، مه غلیظی ایجاد می کند و افرادش را برای دزدی می فرستد. روزی بتمن تلاش می کند جلوی افرادش را بگیرد که آنها بتمن را دستگیر می کنند و به مخفیگاه استرنج می برند و از مچ آویزان می کنند. استرنج با استفاده از ماده ی مخصوصی باعث رشد غده هیپوفیز و رشد اندام افرادش می شود. استرنج در طول کمیکها بارها بصورت دروغین می میرد. او بعدها در گاتهام سیتی بیمارستانی مخصوص افراد مرفه شهر تأسیس می کند و در آنجا به هویت بتمن پی می برد.

دهد. مرگ موری، سبب اعتیاد به الکل و خشونت پدرش شد؛ و نیز، سبب شد که شخصیت موری، همواره در درون هاروی باقی بماند و او شخصیتی دوگانه پیدا کند.

هاروی دنت، در ۲۶ سالگی، شش ماه قبل از این که بتمن آغاز به مبارزه به جنایت کاران کند، جوانترین دادستان شهر گاتهام می شود. او به خاطر تلاش وقفه ناپذیرش در مبارزه با جرم و فساد، به آپولو، خدای روشنایی، ملقب می شود.

او، کارآگاه جیمز گوردون و بتمن، با همکاری هم اتحاد قدرتمندی علیه سازمانهای خلافکار تشکیل می دهند.

در داستان مصور «بتمن: هالوین طولانی»، در یکی از تلاشهای آنها برای نابود کردن گروه مافیایی «کرماین فالکونی» و «سالواتوره مارونی»، شخص اخیر، در دادگاه به چهره هاروی اسید می پاشد که سبب می شود نیمه چپ صورت او، بسوزد. پس از این واقعه، او تبدیل به یکی از خلافکاران گاتهام می شود.

نیمی از چهره هاروی دنت، سوخته است و این وجه مشخصه اصلی اوست. او معمولاً کتی دو رنگ می پوشد. نیز، او سکه ای دارد که از پدرش گرفته و هر دو روی آن، یک شکل است. پس از سوختن چهره اش، او یکی از دو روی سکه را مخدوش می کند و از آن در تصمیم گیری هایش استفاده می کند. هاروی دنت، به علت اسکیزوفرنی، دارای دو شخصیت نیک و پلید است. او توانایی تصمیم گیری ندارد، به همین علت برای تصمیم گرفتن، از سکه اش استفاده می کند.

فدا می کند، و در واقع به عنوان یک قهرمان ظاهر می شود.

Two-Face



دو چهره یا هاروی دنت یکی از شخصیت های منفی داستان های بتمن است.

باب کین، خالق شخصیت بتمن، اولین بار در آگوست ۱۹۴۲، دو چهره را وارد داستان های بتمن کرد. او این شخصیت را از فیلم دکتر جکیل و مستر هاید محصول ۱۹۳۱، که از روی داستانی به همین نام از رابرت لویی استیونسن ساخته شده، الهام گرفته بود. در این داستان، دکتر جکیل، دارویی می سازد که با آن، به مردی کریه و خبیث به نام مستر هاید تبدیل می شود. دو چهره، اولین بار، در شماره ۶۶ کمیک های بتمن حضور یافت.

در داستان مصور «بتمن: دو چهره - جنایت و مکافات»، پدر هاروی، کریستوفر دنت، معتاد الکلی است که پیوسته پسرش را مورد آزار و اذیت قرار می دهد. هاروی، بر اثر سرکوبی این آسیب روحی و عذاب درونی، بعدها، هویتی دوگانه پیدا می کند.

در داستان مصور «بتمن: جکیل و هاید» برادر هاروی، موری دنت، در یک حریق کشته می شود و هاروی، از ترس نتوانست او را نجات



Riddler



نام اصلی ریدلر، ادوارد نیگما می باشد. Riddler کار خود را در سال ۱۹۴۸ در شماره ی ۱۴۰ کمیک های کارآگاهی شروع کرد در حالی که در لیست طولانی شرور هایی بود که قصد نابودی بتمن را داشتند. وقتی که بسیاری از شرور های هم زمان او بدون هیچ گونه پیش زمینه داستانی معرفی میشدند اولین حضور او با بیان جزییات زندگیش همراه بود. یک مرد دغل که برای هوش خود بیش از هر چیز دیگری ارزش قائل بود. او حتی از تقلب برای رسیدن به بالای لیست نیز غافل نبود. بعد از انجام چند کلاه برداری کوچک در اطراف گاتهام، سرانجام تصمیم گرفت تا بازی خود را به جلو پیشبرد و تلاش کند تا نه تنها پلیس شهر گاتهام بلکه حتی بتمن را نیز گول بزند. او قصد داشت این کار را با تمام کردن ساخت لباس رنگارنگ Riddler به انجام برساند. او عصایی به شکل علامت سؤال حمل میکند و بعد ها به هویت بتمن هم پی می برد، اما آنرا فاش نمی کند. او همچنین در میان مخاطبان ایرانی به مرد سؤالی هم معروف است.

ادوارد به عنوان یک مانع موقتی در برابر اجرای قانون در گاتهام بود اما هیچ وقت به عنوان یک مانع جدی در برابر قانون ایستادگی نمی کرد . سوال این بود که چرا او کارهای خود را ناتمام انجام میدهد. در حالی که دیگران از یک تاریخچه پیچیده رنج میبردند مانند زخم های دوران بچگی ، بیماری ذهنی یا زندگی

ناراحت. ادوارد هیچ کدام این ها را نداشت. او فقط نادانی بود که میخواست همیشه برنده باشد.

Firefly



اولین حضور شب تاب در شماره ی ۱۸۴ کمیک های بتمن بود. شب تاب در واقع در کمیک ها به نام فایرفلای که ترجمه انگلیسی شب تاب است شهرت دارد یک یتیم به نام (گارفیلد لینز) است که به جنون آتش افروزی مبتلاست بنابراین لباسی ضد آتش می سازد و اسلحه ی آتش افروز هم میسازد و به جنایاتی دست میزند که در آنها از آتش و نور استفاده میکند.

Scarecrow



مترسک با نام واقعی جانانان کرین روانشناس و شیمیدان از نخستین دشمنان بتمن در دی سی کمیکز است. وی در ۱۹۴۰ توسط باب کین و بیل فینگر خلق شد. او نخستین بار در ۱۹۶۱ در شماره ی ۳ کمیک های کارآگاهی حضور یافت. در اصل قدرتش در هوش او و ماده دیوانه کننده اش است که باعث ترس می شود اما در نهایت خودش به آن مسموم می شود. ماده او از گیاه سمی خاصی است. آیوی به این سم مصون است.

Harley Quinn



پل دینی و تیم بروس، در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۲، هارلی کوین را وارد داستان های بتمن کردند تا مکمل زن جوکر باشد.

دینی، شخصیت هارلی را از یکی از اجراهای آرلین سورکین، ستاره اپرا، الهام گرفته بود که در آن، آرلین لباس یک دلچک پوشیده بود . همچنین بعضی از جنبه های شخصیت هارلی کوین را از شخصیت آرلین اقتباس کرد . هارلی کوین اولین بار در بتمن: مجموعه انیمیشنی، قسمت «لطف جوکر» حضور یافت و پس از آن، در شماره ی ۱۲ بتمن (سپتامبر ۱۹۹۳) در داستان های مصور نقش ایفا کرد.

هارلین کوینزل یکی از انترن های تیمارستان آرکهام بود. پس از بستری شدن جوکر در تیمارستان، او مجذوب جوکر شد و داوطلب شد تا او را روانکاو کند. در طول جلسات روان درمانی، دلباخته جوکر شد و او را کمک کرد تا از تیمارستان بگریزد.

جوکر پس از مبارزه با بتمن، به آرکهام بازگردانده شد. وقتی هارلین دید که جوکر مجروح شده، عقلش را از دست داد. شغلش را رها کرد، لباس دلچک پوشید، نامش را به هارلی کوین معنی دلچک تغییر داد و همدست جوکر شد.

او بعدها با پویزن آیوی دوست شد و آیوی با آزمایش های شیمیایی بر روی او، او را نسبت به سم مقاوم کرد و قدرت و چابکی او را افزایش

Man-Bat



فرزند بتمن است. نام او عربی است و در کمیک‌ها به «سر دیو» ترجمه شده است.

رأس الغول توانایی بسیار زیادی در استفاده از شمشیر و ابزارهای سرد دیگر دارد، وی نیروی بدنی فوق‌العاده زیادی داشته و در استفاده از فنون رزمی استاد است و در این زمینه بی‌مانند است و همتایی ندارد.

او فکر میکند باید تعادل را به جهان بازگرداند، حتی اگر به قیمت مرگ هزاران انسان باشد. او از اکسیری بنام لازاروس استفاده میکند که باعث جاودانگی اش میشود. رأس الغول گروهی بنام انجمن قاتلان دارد که زمان تأسیس آن نامشخص است.

Anarky



اولین حضور آنارکی (آنارکی!) در شماره ۶۰۸ کمیک‌های کارآگاهی بود. آنارکی (لونی ماشین) یک نابغه نوجوان است که گجت‌ها و ابزاری که می‌سازد را علیه پلیس و دولت استفاده می‌کند و روش خشونت آمیزی به قصد سرنگونی دولت دارد.

اولین حضور من بت در شماره ۴۰۰ کمیک‌های کارآگاهی بود. دکتر کرک لانگستروم دانشمندی زیست‌شناسی بود که ژن یک خفاش خون آشام را به ژن خود پیوند زد و تبدیل به یک انسان خفاش نما شد. او کنترل خود را از دست داد و همسرش را به قتل رساند.



جایی که من بت در بازی شوالیه آرکهام شما را زهر ترک می‌کند!

Ra's-al-Ghul



راس الغول (به عربی: سر دیو) تعلیم دهنده و از دشمنان بتمن به حساب می‌آید. او در کنار دشمنی با بتمن، با سوپرمن و دیگر قهرمانان جهان‌دی‌سی نیز درگیر است. دشمنی او با بتمن از جایی شروع شد که وقتی از بروس وین خواست تا یک مجرم را گردن بزند، بروس از این کار خودداری کرده و خانه‌ی او را به آتش می‌کشد. او پسر سنسی و پدر تالیا الغول، نیسا رعتکو و دوسان الغول و پدر بزرگ دیمین وین

داد. هارلی کویین، همچون جوکر، در مجموعه انیمیشنی، شوخ‌طبع و در داستان‌های مصور، جنایتکاری خطرناک و خشن است. البته به رغم رفتارهای خشونت بارش، گاه گاه از خود دل‌رحمی نشان می‌دهد. مثلاً یک بار پویزن آبی را از کشتن ثورن باز می‌دارد، ولی در عوض آبی را متقاعد می‌کند که دست و پا و دهان ثورن را ببندد و او را از مجسمه‌ای آویزان کند.

Deadshot



ددشات با نام اصلی **فلوید لاژتون** اولین بار در ژوئن / ژوئیه ۱۹۵۰ در شماره ۵۹ کمیک‌های بتمن حضور داشت. خالق او باب کین و لی اسکوارتز به‌مراه دیوید ورن رید هستند. او یک تروریست و تیرانداز حرفه‌ایست. او معمولاً نقابی پارچه‌ای یا فلزی دارد با عینکی سرخ و تکه چشمی برای دید بهتر. اغلب کت پارچه‌ای می‌پوشد و به انواع اسلحه مجهز است.

فلوید پسر جوانی بود که با پدر و برادرانش زندگی می‌کرد. وقتی پدرش برادر مورد علاقه‌اش را می‌زند از عصبانیت با اسلحه سعی در قتل پدرش می‌کند اما به اشتباه برادرش را می‌زند و می‌کشد. از آنجا فرار می‌کند و تصمیم می‌گیرد تیراندازی اش را تقویت کند. او سپس به لیگ زیرزمینی جنایتکاران می‌پیوندد و به قتل می‌پردازد. در کمیک‌ها تنها کسی که توانسته از تیر او جان به در ببرد بتمن است.

آناراکی اول به شکل مترسک به کمیک‌های بتمن آمد ولی بعد از مدتی پسری باهوش است که در ۱۰ نقطه شهر بمب می‌گذارد. در اینجا آناراکی با کاپشن و نقاب سفید است که قدرت به خصوصی ندارد.

Mr. Freeze



اولین حضور آقای یخی (فریز) در شماره ۱۲۱ کمیک‌های بتمن بود.



اولین حضور آقای یخی به عنوان Mr. Zero

آقای فریز در گذشته پروفیسوری به نام ویکتور فریز (Victor Fries) بوده است. نامزدش با اتومبیل تصادف می‌کند و به حالت کما می‌رود. ویکتور فریز برای زنده ماندن نامزدش مجبور است بدن او را در دمای پایین نگه دارد تا زنده

بماند و خود نیز سعی دارد تا او را مداوا کند. اما یک روز ماموران دولت به آزمایشگاه او حمله می‌کنند و ماده سرد کننده را روی او می‌ریزند. ویکتور فریز که دیگر نمی‌تواند در جای گرم زندگی کند لباسی برای خود طراحی می‌کند و برای این که بتواند دوباره از نامزدش نگهداری کند از بانکها سرقت می‌کند و تبدیل به دشمن بتمن می‌شود. او هم چنین اسلحه‌ای می‌سازد که به کمک آن می‌تواند اجسام و یا افراد را منجمد کند.

Deathstroke



اسلید ویلسون توسط مارو ولفمن و جرج پرز خلق شد. اولین حضورش در شماره دوم کمیک «تایتان‌های نوجوان» بود.

در شانزده سالگی، اسلید ویلسون تصمیم گرفت تا در ارتش ایالات متحده نام نویسی کند، بنابراین از خانه فرار کرد و درباره سنش به ارتش دروغ گفت. طولی نکشید که استعداد و مهارت‌های خود در جنگ‌های چریکی را به نمایش مافوقانش گذاشت و به همین دلیل بارها و بارها توسط مافوقانش ترفیع می‌گرفت.

بعد از مدتی شهرتش او را به زیر پر و بال «ادلاین کین Adeline Kane» کشاند، معلمی که بعدها مافوق، دوستش، چندی بعد همسرش و مادر فرزندش شد. اسلید زیر نظر فرمانده کاپیتان ادلاین کین آموزش دید و او را شگفت زده کرد

و ثابت کرد که در رزم و پیکار، خبره است و استعدادها و مهارت‌های تحسین برانگیزی دارد.

اسلید در بسیاری از سپک‌های رزمی استاد شد و به مقام سرهنگ دومی ارتقا یافت. مدتی بعد او یک رابطه رمانتیک و عاشقانه را با ادلاین شروع کرد که نتیجه این رابطه، یک فرزند پسر بود.

مدتی بعد از تولد اولین پسرش گرنت ویلسون ارتش از او خواست که در یک آزمایش محرمانه پزشکی داوطلب شود. درباره این آزمایش به او گفته شد که روشی است برای دفاع در برابر سرم حقیقت‌گویی دشمن. (بعدها آشکار شد که این آزمایش در واقع تلاشی بوده برای خلق ابر سربازان ابرانسان). او این پیشنهاد را قبول کرد.



بدن اسلید به این آزمایش واکنشی وحشیانه نشان داد؛ این آزمایش او را پرخاشگر و خشمگین کرد، بنابراین او می‌بایست در هنگام تولد دومین پسرش، جوزف ویلسون بستری بماند. کمی بعد، اسلید متوجه می‌شود که آزمایش درست عمل کرده و در واقع قدرتش، سرعتش، حس‌هایش، استقامتش، عقلش و واکنشش را بیشتر از هر انسان معمولی دیگری افزایش داده است. با وجود وظایفش در ارتش که فقط به میز کار محدود می‌شد، اسلید خودش را مشغول به شکار

جوکر کیست؟

در بیشتر داستان‌های مصور بتمن، نام اصلی جوکر ذکر نشده‌است.

در چند شماره از داستان‌های مصور بتمن، برمی‌خوریم که زمانی، جوکر، مجرمی شناخته شده به نام «روپوش قرمز» (Red-Hood) بوده.

داستان‌های مصور بتمن، اطلاعات زیادی در مورد گذشته جوکر به ما نمی‌دهند. در «شوخی مرگبار» (The Killing Joke) معرفی کوتاهی از گذشته او می‌شود.

او از شغلش به عنوان یک مهندس کارخانه مواد شیمیایی، استعفاء داده و در شغل فعلی خود، که یک مجرمی نمایش کم‌دی است، نا موفق است و کسی به شوخی‌های او نمی‌خندد. او به همراه یک دسته خلافکار، قصد دزدی از آن کارخانه مواد شیمیایی می‌کند و در همان شب زن او، جنی، اشتباهی می‌میرد. دزدی نیز ناموفق می‌شود و با حضور بتمن، او از ترس خود را به درون مواد شیمیایی می‌اندازد.



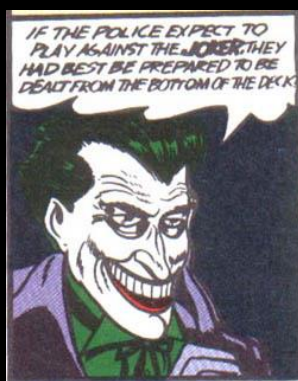
جوکر در قالب رد هود

هر چند در انتهای داستان، در مورد گذشته‌اش می‌گوید:

گاهی آن را یک جور به یاد می‌آورم و گاهی یک جور دیگر... اگر قرار باشد که من

نظر روانی به زمین زد و حتی تا مرز جنون بتمن را پیش برد.

اولین حضور جوکر در شماره ی ۱ کمیک‌های کارآگاهی بود. اهمیت بالای جوکر در ادبیات و صنعت کمیک از کسی پنهان نیست. به همین خاطر این کاراکتر معروف به سرعت جایش را در دنیای کتاب نیز باز کرد و به عنوان یکی از شخصیت‌های فرعی داستان طنز پارک وحشت معرفی شد.



اولین حضور جوکر

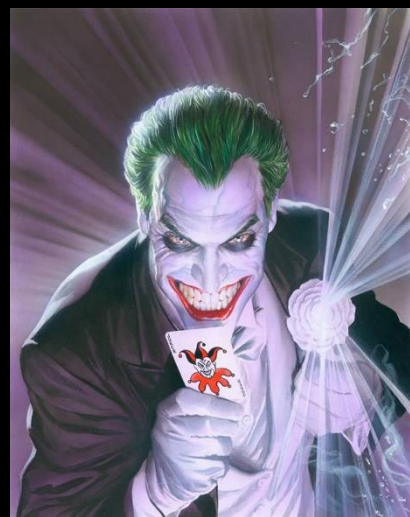
باب کین در سال ۱۹۴۰، شخصیت جوکر را وارد داستان خود کرد. جری رابینسون، یک کارت جوکر و تصویر کنراد ویت (ازیگر فیلم صامت مردی که می‌خندد) را به او نشان داد و این، منبع الهام شخصیت جوکر شد. داستان مردی که می‌خندد، داستان فردی است که در کودکی، پدرش، در دو طرف دهانش زخمی مانند یک لب‌خند ایجاد کرده‌اند و این زخم، تا آخر عمر، او را خندان نشان می‌دهد.



کنراد ویت در فیلم مردی که می‌خندد

حرفه‌ای کرد تا شاید جای خالی یک مبارز را در درونش حس نکند و با ادلین کین ازدواج کرد. ولی این زندگی هم عمر درازی نداشت؛ چرا که ویلیام رندولف وینترگرن، دوستی که اسلید تمام عمر می‌شناخته، به یک عملیات با احتمال پیروزی صفر فرستاده شد و دستگیر شد. هنگامیکه مافوقانش اعلام کردند که کاری از دستشان بر نیاید، اسلید مجبور شد که این کار غیرممکن را انجام دهد؛ او یک لباس مخصوص سر هم کرد و بدون اجازه از ارتش و مافوقانش به یک عملیات انفرادی به قصد نجات دوستش رفت. در آخر، او موفق به نجات دوستش شد ولی بعلت نافرمانی از دستورات، خلع درجه و اخراج شد. اسلید این را به فال نیک گرفت. او از ارتش و قانون فرمانبرداری کورکورانه آن، به ستوه آمده بود. بنابراین لباس شخصیت دث‌ستروک نابودگر را طراحی کرد؛ بزرگ‌ترین مزدوری که دنیا تا بحال شناخته. مزدوری که از دانش‌های نظامی که زیر نظر استاد هنرهای رزمی نیست گذرانده، استفاده می‌کند.

The Joker!



منفور محبوب! این شاید بهترین لقبی باشد که می‌توان به این روانی دوست داشتنی داد. بتمنی را تصور کنید که هیچ جوکری در مقابلش نباشد. چه کسل‌کننده! جوکر همیشه پای ثابت کمیک‌های بتمن بوده است. کسی که او را از

گذشته‌ای داشته باشم، ترجیح می‌دهم یک انتخاب چند گزینه‌ای باشد!

در کمیک شوخی مرگبار او با شلیک به ستون فقرات باربارا گوردون دختر کمیسر گوردون رئیس پلیس شهر او را فلج می‌کند و خود کمیسر را میدزد تا به او ثابت کند هر کسی با داشتن یک روز بد می‌تواند دیوانه شود ولی در آخر بتمن کمیسر گوردون را نجات داده و جوکر را به بیمارستان آرکهام می‌فرستد (البته در مورد پایان این کمیک نظرات مختلفی وجود دارد. زیرا به صورت آزاد تمام شد). در آرک داستانی مرگ در خانواده جوکر جیسون تاد را در انباری زندانی کرده و می‌کشد. در آرک بتمن: هاش با توماس الیوت دشمن بتمن مشهور به هاش همکاری می‌کند تا بتمن را بکشد. در آخر در آرک مرگ خاندان در سال ۲۰۱۳ جوکر نقشه می‌کشد تا تمام خانواده بتمن (رابین، بتگرل، نایت وینگ، ردهود و رد رابین) را در غار بتمن گیر انداخته و بکشد.

جوکر، معمولاً کتی ارغوانی می‌پوشد. در «بتمن: جوکر»، جوکر یک بارانی ارغوانی رنگ پوشیده است.

چهره او، سفید رنگ، لبانش سرخ و موهایش سبز رنگند. در بعضی از تصاویر، دور چشمانش نیز سیاه رنگ هستند. علت این رنگ چهره، در داستان‌های مختلف، متفاوت است.

در بیشتر کمیک‌ها، علت تغییر چهره جوکر، پرت شدن او به درون مواد شیمیایی ذکر شده است. اما در برخی دیگر از کمیک‌ها، رنگ چهره جوکر، صرفاً معلول گریم کردن اوست.

در برخی شماره‌ها، دو طرف دهان او، زخمی مانند یک لبخند وجود دارد که در یکی از شماره‌های بتمن، علت آن، زخمی است که بتمن، با بترنگ بر چهره او می‌اندازد.

در فیلم شوالیه تاریکی جوکر در دو صحنه مختلف، دو علت مختلف برای این واقعه ذکر

می‌کند. در یک جا می‌گوید پدرش که یک الکلی معتاد بوده، یک شب که مست شده، با چاقو به مادرش حمله می‌کند. سپس به سمت او برمی‌گردد و به این بهانه که «چرا اینقدر جدی هستی پسر؟» با چاقو، لبخندی روی صورتش می‌کشد.

در جای دیگر می‌گوید که همسرش به او می‌گفته که چرا اینقدر کم می‌خندد؟ همسرش یک قمارباز بوده و یک بار، کلی بدهی بالا می‌آورد و طلبکاران، صورتش را خط خطی می‌کنند. جوکر برای این که نشان دهد این موضوع برایش اهمیتی ندارد، با چاقو روی صورت خود لبخندی ایجاد می‌کند ولی همسرش او را ترک می‌کند.

در کمیک‌های کارآگاهی عصر جدید شماره ۱ شخصیتی بنام دال میکروست صورت جوکر را می‌کند و او در کمیک مرگ خاندان با صورت بدون پوست ظاهر می‌شود.



هاهاهاهاها!



عمو جوکر با پوست تازه اومده!

جوکر انسانی روان پریش است و شاید سیاه‌ترین موجود کمیک استریپ‌های بتمن باشد. او هیچ هدف خاصی در زندگی ندارد. کتک می‌خورد ولی همچنان می‌خندد. هیث لجر با بازی حیرت‌انگیز خود در نقش جوکر توانست شخصیت را به کریه‌ترین وضع خود تبدیل کند. انگیزه‌ای ندارد. نه پول نه ثروت نه احترام و نه قدرت و نه زن و جاه و مقام. او شخصیتی ندارد که به آن افتخار کند برای همین مرگ برای او فرقی نمی‌کند. او می‌خواهد دیگران را مثل خودش کند و در شوالیه تاریکی علناً اعلام می‌کند تا بتمن ماسک خود را بر ندارد و دست از جنایت برنخواهد داشت. به زور می‌خواهد شخصیت بتمن را که یک آرمان‌گرای واقعی است را خرد کند و ماسک او را بردارد و برای این کار هر کاری می‌کند؛ و فقط وقتی لذت می‌برد که جهان بسوزد و خودش یا باشتیاق‌نمایش مضحک گاتهام را ببیند یا خودش بمیرد. در هر حال می‌خندد. او و بتمن دو روی یک سکه‌اند. آن دو هم را کامل می‌کنند. بدون دیگری آن یکی نمی‌تواند یک قهرمان یا یک تبهکار باشد.



هیث لجر نقید

۱۹۶۹ در سریال‌های بتمن سزار رومرو نقش جوکر را بازی می‌کرد؛ که در یکی از قسمت‌های سریال می‌گوید: مطمئن باشید که من هم یک جور هیولا هستم! چون اگر نبودم شمارو به دست این هیولا نمی‌دادم که بخوره! چون به هر حال تمام جوک‌های اطراف مال منه!

۱۹۸۹ که اولین فیلم بتمن به دست تیم برتون ساخته شد جک نیکلسون نقش جوکر را بازی کرد که نه به بلندقدی شخصیت جوکر بود و نه به لاغری او. اما خنده‌های بلند و دندان‌های ریز نیکلسون این ضعف را جبران کند و او جوکر را به سرخوش‌ترین شکل ممکن درست کرد. صحنه رقص او در آخر فیلم معروف است.

۲۰۰۸ در شوالیه تاریکی فیلم کریستوفر نولان که یک شاهکار واقعی ست، نقش جوکر را که در طی تمامی فیلم‌های گذشته بتمن مثل بتمن برای همیشه و یا بتمن و رایین هیچ اثری از جوکر نبود به گردن هیث لجر افتاد. بازی هیت بسیاری را تحت تأثیر قرار داد. او با گریم سنگین خود یک روانی واقعی ساخت و باعث شد تا طرفداران جوکر در سراسر دنیا دو برابر شوند! گفته می‌شود که فروش زیادبیس فیلم بخاطر جوکر بوده‌است نه بتمن! از قسمت‌های معروف آن می‌توان به صحنه چرا اینقدر جدی؟ اشاره کرد و یا صحنه‌ای که جوکر کارت جوکر را درمی‌آورد و می‌گوید این کارت من است!

در فیلم جوخه ی انتحار هم جرد لتو (Jared Leto) نقش جوکر را بازی می‌کند.



بازیگران نقش جوکر در طول تاریخ

قضیه ی سه جوکر

جوکر با آنکه بارها و بارها شکست خورده اما همواره بزرگترین دشمن بتمن بوده است و همواره در حال کشیدن نقشه و یافتن راهی برای ایجاد مشکلات بوده است.

زمانیکه بتمن به صندلی موبیوس، صندلی با قابلیت سفر به فضا و زمان، دسترسی پیدا می‌کند، او از توانایی‌های این صندلی برای یافتن پاسخ‌های خود استفاده می‌کند. در لیگ عدالت

۴۲ بتمن ابتدا می‌پرسد که چه کسی پدر و مادر او را کشت و جواب صحیح را دریافت می‌کند و سوال بعدی اون این است که نام واقعی جوکر چیست. پاسخ، بتمن را غافلگیر می‌کند. پاسخی که در لیگ عدالت ۵۰، توسط نویسنده آن یعنی جف جانز بر ملا می‌شود.



جوکر در طی سالیان متمادی بصورت‌های مختلف به تصویر کشیده شده، از ظاهری به ظاهر دیگر که یکی از دلایل آن دادن صداهای متفاوت به او، توسط نویسندگان می‌باشد. فاکتور دیگر مربوط به تفکر او می‌شود که او را دارای شخصیت‌های مختلفی کرده‌است. بتمن در بعضی مواقع با روی شوخ و مفرح جوکر مواجه بوده و در برخی مواقع با روی سیاه و مرگ آور که ممکن است علت آن حالا بر ملا شده باشد.



پس از جنگ دارک ساید، هال جوردن از بتمن پرسید که صندلی موبیوس در پاسخ به سوال او چه گفت.



صندلی به بتمن یک نام نداد و به او گفت که در آنجا سه جوکر وجود دارد. ایده سه جوکر بسیار دیوانه کننده و ترساننده است. طرفداران بتمن تقریباً با شخصیت جوکر کنار آمده‌اند و او را پذیرفته‌اند. همواره در عناوین بتمن جوکر پایه ثابت داستان بوده و آیا واقعاً می‌توان بتمن را بدون او تصور کرد؟ بتمن کسل کننده نمی‌شود؟ اما با حضور سه جوکر قضیه کمی فرق می‌کند و سوالات زیادی در ذهن ایجاد می‌شود.

اجازه دهید تا به گذشته جوکر نگاهی بیندازیم. همیشه این موضوع برای ما سوال بوده و مارا در شگفتی فرو برده که جوکر چگونه برنامه فرار از تیمارستان آرکهام را برنامه ریزی و مدیریت می‌کند. در سال ۲۰۱۲ و در مرگ خانواده، جوکر برنامه ای میریزد که به بتمن و متحدین او در سراسر شهر گانهام حمله کند. این کمی ایده حضور سه جوکر را قابل حس تر می‌کند اما شاید سوال بزرگ این باشد که آنها چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ چرا که باید فرض کنیم که آنها از وجود یکدیگر با خبرند و از برنامه ها و فعالیت هایشان آگاه اند.



دوران طلایی بتمن

وقتی شخصیت بروس وین نخستین بار در دوران طلایی داستان‌های کمیک معرفی شد، یاغی‌ای بود که به بتمن مشهور شده بود. بتمن برای اولین بار در شماره‌ی ۲۷ مجموعه داستان‌های کمیک‌های کارآگاهی حضور پیدا کرد و در شماره‌ی سی و سه از این مجموعه بود که خاستگاه این شخصیت شرح داده شد. بروس وین فرزند توماس وین و همسرش مارتا بود. والدین بروس، افراد خیر و ثروتمندی بودند که از طبقه‌ی اشرافی و مرفه گاتهام‌سیتی به حساب می‌آمدند. بروس در عمارت اربابی وین بزرگ شد و زندگی مرفهی را تجربه کرد تا این که در شبی شوم سرنوشتش تغییر کرد. آن شب بروس و والدینش به سینما رفته بودند و پیاده به خانه بر می‌گشتند که با دزدی خرده پا و مسلح به نام جو چیل مواجه شدند. در ابتدا چیل جواهرات مارتا را طلب کرد اما این سرقت به تیر خوردن مارتا و توماس وین منجر شد. بروس پس از مرگ والدینش سوگند خورد که شرارت را برای همیشه از گاتهام پاک کند. او تمرینات سخت جسمی و روانی را آغاز کرد و در مهارت‌هایی از جمله هنرهای رزمی، جرم‌شناسی و اختفا به درجه‌ی استادی رسید.

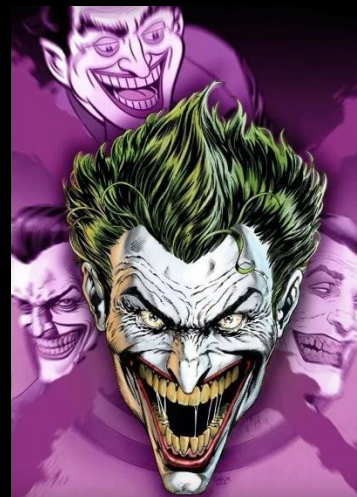


بتمن در دوران طلایی

در یکی از شماره‌های مجموعه Flashpoint به نام «Flashpoint: Batman – Knight of Vengeance» داستانی متفاوت روایت شد که در آن بروس وین به جای پدر و مادرش به قتل می‌رسید و توماس وین، پدر بروس، جای بتمن را می‌گرفت؛ همچنین مارتا وین، مادر بروس، نیز تبدیل به جوکر داستان می‌شد. مجموعه‌ی فلشپوینت ماجرای جهان‌های دیگر شخصیت‌های DC را به تصویر می‌کشد که تنها بری آلن (Barry Allen)، یا همان فلش، قادر به حضور در آن‌ها است. در این قسمت هنگامی که بری به بت کیو می‌رود بتمن به او حمله می‌کند. بعد از اینکه بری او را بروس صدا می‌زند تعجب کرده و پیگیر داستان می‌شود. آن‌ها در ادامه سعی می‌کنند سرنوشت را تغییر دهند و توماس جان خود را فدا می‌کند تا پسرش دوباره به زندگی بازگردد.

گاتهام کجاست؟

در ابتدا، ماجراهای بتمن در نیویورک روایت می‌شدند؛ ولی بعد از مدتی نویسندگان تصمیم گرفتند شهری خیالی بسازند تا بتوانند آن را مطابق میل خود شکل دهند. گفته می‌شود نویسنده نام گاتهام را از دفترچه‌ی تلفن پیدا کرده است؛ او دفتر تلفن را باز کرده و عبارت «جواهر فروشی گاتهام» به چشمش خورده است. و همان نام برای شهر بتمن انتخاب شده است. محل شهر گاتهام همواره با ابهام و شک همراه بوده است. برخی اوقات محل آن را نزدیک ساحل شرقی و برخی اوقات دیگر آن را در غرب و در نزدیکی متروپلیس عنوان کرده‌اند. البته هیچ‌گاه در کمیک‌های بتمن به این موضوع اشاره نشده است اما طرفداران ادعا می‌کنند که در برخی شماره‌ها بر روی پلاک ماشین‌ها و گواهی نامه افراد عبارت «Gotham, New Jersey» را مشاهده کرده‌اند.



عمو ها ایجان!!!!!! اهاهاها!!!!!!

مشکل این است که جوکر با دیگران همکاری نمی‌کند و هیچ راهی بنظر نمی‌رسد که این سه جوکر با یکدیگر همکاری کنند. آن‌ها باید نقشه‌هایشان را با هم هماهنگ کنند اما هیچوقت در کنار همدیگر دیده نشدند و بتمن هرگز احتمال نمیداد که با سه جوکر طرف است نه با یک جوکر!

سوال دیگر این است که همه آن‌ها در یک سطح قرار دارند؟ آن‌ها با هم برابرند؟ بین آن‌ها رهبری وجود دارد که بگوید بقیه چه کنند؟ یک جوکر برای وجود مشکلات بتمن کافی است و چه می‌شود که اگر هر سه آن‌ها تصمیم به حمله به او را بگیرند؟

شوالیه تاریکی در کمیک ها

دنیای معکوس



اتفاقی نبوده است و گانگستری به نام لکس ماکسون دستور قتل آن‌ها را داده بود.

لین در متروپلیس تقلید شده بود. ویل اغلب وقت زیادی را صرف کشف هویت واقعی بتمن می‌کرد ولی هر زمان به کشف حقیقت نزدیک می‌شد، بتمن به گونه‌ای او را فریب می‌داد که باور کند او بروس وین نیست. این اتفاق که هویت مخفی ابرقهرمانان تا مرز فاش شدن پیش رود در دوران طلایی کاملاً مرسوم بود. در ابتدا بتمن به عنوان یاغی‌ای سنگ دل به تصویر کشیده شد که برای رهایی شهر از جرم و جنایت دست به استفاده از سلاح و قتل دشمنانش می‌زند. اما ویتنی ال‌س‌ورث ویراستار جدید دی‌سی کامیکس به کمک اصول اخلاقی‌ای که برای بتمن تعیین کرده بود، این شخصیت را برای همیشه از کشتن و به کار بردن سلاح منع کرد.

دوران نقره ای بتمن

در این دوره دی‌سی کامیکس پیوستگی داستان شخصیت‌هایش در جهان‌های مختلف را مطرح و نیز این مسئله را بیان کرد که تمام داستان‌های بتمن در دوره‌ی طلایی در جهان دوم رخ داده بودند. در جهان دوم بتمن با کت‌ومن ازدواج می‌کند و دختر آن‌ها هلنا وین، در نهایت تبدیل به هانتress (Huntress) می‌شود. در این جهان بتمن از کار خود کناره‌گیری می‌کند و شغل رئیس پلیس گاتهام را برعهده می‌گیرد. دیک گریسون در جهان دوم تبدیل به وکیل حرفه‌ای و صاحب سبک می‌شود و به کار خود به عنوان رابین نیز ادامه می‌دهد. اما وی سرانجام در آخرین ماجراجویی خود در مبارزه با جنایتکاری با نام بیل جنسون - که قدرت ماورایی به دست آورده بود - کشته می‌شود. در این دوره داستان گذشته‌ی بروس نیز گسترش می‌یابد و عموی او فلیپ وین که بعد از مرگ والدین بروس برای مدتی از او نگهداری کرد نیز وارد داستان می‌شود. بروس همچنین برادر بزرگ‌تری به نام توماس وین جونیور دارد که پس از مرگ والدینشان کارش به بستری شدن در بیمارستان می‌گردد. ضمناً حقیقت مرگ مارتا و توماس وین برملا می‌شود که کشته شدنشان در واقع

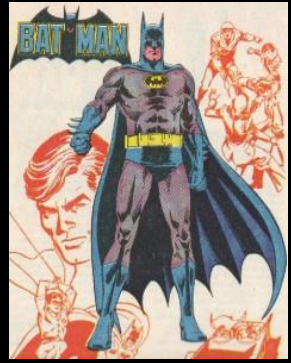
بروس با به اتمام رساندن آموزش‌هایش متوجه می‌شود که برای رسیدن به هدفش تنها داشتن این مهارت‌ها کافی نیست، جنایتکاران باید از او می‌ترسیدند. در همین لحظه خفاشی از پنجره داخل می‌شود و بروس را می‌ترساند. او از خفاش تاثیر می‌گیرد و آن را به عنوان نمادش انتخاب می‌کند و تبدیل به بتمن می‌شود.

بتمن شاهد به قتل رسیدن خانواده‌ی گریسون بود. این خانواده گروهی آکروبات باز بودند. پس از آن که صاحب سیرک از پرداخت باج (برای محافظت) به خلافکاران سر باز زد، گانگسترها خانواده‌ی گریسون را به قتل رساندند. بروس سرپرستی دیک گریسون را برعهده گرفت و او را آموزش داد تا به همکاری رابین تبدیل شود. بروس و دیک به عنوان اولین ماموریت‌شان تونی زوکو - رئیس مافیایی که مسئول قتل جان و مری گریسون بود - را پیدا کردند و انتقام مرگ آن‌ها را از او گرفتند. هیچ‌وقت در داستان‌ها به این موضوع اشاره‌ای نشد که چرا بروس سرپرستی دیک را برعهده گرفت، هر چند این مسئله احتمالاً به این دلیل بوده که دیک نیز مانند بروس در کودکی والدین خود را از دست داده بود. بتمن و رابین در قالب گروه دو نفره‌ی «Dynamic Duo» با دشمنان زیادی از جمله ریدلر، مترسک، پنگوئن و جوکر به مبارزه پرداختند.

در نهایت بتمن به یکی از موسسان و اعضای اصلی لیگ عدالت آمریکا تبدیل شد. بتمن همچنین به همکاری با اداره‌ی پلیس گاتهام GCPD در مبارزه با جرم و جنایت ادامه داد و بعدها رسماً به عنوان مامور غیرنظامی پلیس برگزیده شد. در داستان‌های بعدی آلفرد پنی وورث به عنوان خدمتکار وین معرفی شد و سرانجام از هویت گروه «داینامیک دو» مطلع گشت و به بتمن و رابین کمک کرد تا هویت خود را مخفی نگه دارند. در دهه‌ی چهل بود که ماجرای عشق بروس و ویکی ویل مطرح شد و ویکی را در جمع کثیر معشوقه‌های بروس وین قرار داد. برای خلق ویکی ویل از نقش لوییس

در دوران کودکی بروس، روزی پدرش برای شرکت در یک مهمانی بالماسکه لباس خفاش به تن کرده بود (شبه لباس بتمن در آینده)، در این مهمانی او با ماکسون درگیر می‌شود و جلوی می‌ایستد. ماکسون سوگند می‌خورد که از دکتر وین انتقام بگیرد، سپس جو چیل را مامور می‌کند که سرقتی ترتیب دهد که در نهایت به مرگ توماس و مارتا وین منجر شود. بروس گاهی اوقات در جریان تمریناتش لباسی شبیه به لباس آینده‌ی رابین را به تن می‌کرد و زیر نظر کارآگاه پلیسی به نام هاروی هریس تعلیم دید. در این دوره، بتمن دائماً با قهرمان‌های دیگری از جمله سوپرمن و گاهی رابین همگروه می‌شد تا در کنار یکدیگر با شرارت به مبارزه بپردازند (این داستان‌ها در مجموعه کمیک ورلد فاینست بین سال‌های دهه‌ی پنجاه تا هشتاد به چاپ رسید). این گروه‌ها در نهایت موجب به وجود آمدن لیگ عدالت آمریکا شد.





بتمن در دوران نقره ای

بعد از مجروح شدن رابین (دیک گریسون) بتمن بر ادامه‌ی فعالیت خود بدون هیچ همکاری پافشاری می‌کند. این جاست که دیک برای ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه او را ترک و از عمارت اربابی وین نقل مکان می‌کند. بتمن بیش‌تر مواقع انفرادی کار می‌کرد اما بعضی مواقع رابین و بت‌گزل نیز به او ملحق می‌شدند. در این زمان بود که شخصیت بتمن شروع به تاریک شدن کرد تا حدودی به خاطر این بود که رابین او را ترک کرده بود اما عمدتاً دلیل آن را می‌شود در تغییر اوضاع دنیای واقعی یافت. جنایت‌های خشونت‌آمیز در گاتهام افزایش پیدا کرد و سر و کله‌ی جوکر وحشتناک‌تر، با خلق و خویی بیش از پیش سادیستیک در داستان‌ها پیدا شد. به عبارت دیگر جوکر دست به کشتن طعمه‌های خود می‌زد.

بتمن همچنین با راس الغول ملاقات می‌کند. او بیش از ششصد سال عمر کرده و از محدود افرادی است که از هویت واقعی بتمن با خبر است. در ابتدا راس الغول آرمان خود و بتمن را یکسان می‌یابد اما پس از آن که بتمن متوجه می‌شود راس الغول برای جان افراد ارزشی قائل نیست، آن‌ها به دشمن یکدیگر تبدیل می‌گردند. در این زمان سر و کله‌ی برادر بزرگ بروس، توماس وین جونیور، پیدا می‌شود. سپس توماس به یک تروریست تبدیل می‌شود اما ضدقهرمانی به نام «ددمن Deadman» بدن وی را تسخیر کرده بود. بتمن می‌توانست ددمن را از بدن برادرش بیرون بکشد ولی توماس خیلی زود در جریان نجات برادر کوچکترش می‌میرد.

بعدها بتمن از جاستیس لیگ بیرون می‌آید تا گروه خودش با نام «بیگانگان Outsiders» را تشکیل دهد. بتمن برای مدتی این گروه را رهبری می‌کند اما سرانجام از آوت سایدرز نیز کناره‌گیری می‌کند.

بتمن در دوران نوین

بعد از انتشار داستانی به نام «بحران در جهان‌های بیکران Crisis on Infinite Earths» بود که خط داستانی بتمن در جهان دوم Earth-Two از تاریخ حذف شد. دی‌سی کامیکس کوشید تا خاستگاه شخصیت‌های بزرگش از جمله بتمن را از نو تعریف کند. در مجموعه داستان موفق «بتمن: سال اول Batman: Year One» نوشته‌ی فرانک میلر داستان بتمن از نو روایت شد یا می‌توان این‌طور بیان کرد که جنبه‌ی جدی‌تری از شوالیه‌ی تاریک مطرح شد و از پیش پا افتادگی شخصیت کاسته شد. این تغییر بتمن را تاریک‌تر و قابل باورتر کرد و میزان چیرگی روانشناختی بتمن بر بروس وین را نمایان ساخت، به گونه‌ای که از آن زمان به بعد بروس به طور کامل (جسمی و روانی) به شوالیه‌ی تاریکی تبدیل می‌شود. در این دوره، جزئیات بیش‌تری از شخصیت جیم گوردون Jim Gordon به تصویر کشیده شد و فساد اداره‌ی پلیس شهر گاتهام Gotham City Department Police یا به اختصار GCPD بیش از پیش مشخص شد. این موضوع دلیل نیاز گاتهام به بتمن را عینیت بیش‌تری بخشید. داستان زندگی دیک تغییری نکرد اما خاستگاه جیسون تاد عوض شد و او به فرزند یتیم کلاهبرداری خرده پا تبدیل شد که سعی در دزدیدن لاستیک‌های بت موبیل داشت. فیلیپ و توماس وین جونیور از این مجموعه حذف شدند و بروس به دست دوست و خدمتکار قابل اعتماد پدرش یعنی آلفرد پنی‌ورث پرورش یافت.

علاوه بر این بتمن دیگر از موسسان لیگ عدالت Justice League نبود. در خلال مجموعه

داستانی پسر اهریمن Son of the Demon بتمن با تالیا ازدواج می‌کند و سپس تالیا باردار می‌شود. به تالیا حمله می‌شود و بتمن در جریان نجات او با خطر مرگ مواجه می‌گردد. بعد از این اتفاق تالیا خود را مانع و مزاحمی بر فعالیت‌های بتمن می‌بیند و تظاهر می‌کند که بچه‌اش سقط شده است. آن دو از یک‌دیگر جدا می‌شوند و تالیا او را ترک می‌گوید و فرزند خود را به دنیا می‌آورد.



در داستان جدید، بتمن جیسون تاد را در حالی می‌یابد که سعی در دزدیدن لاستیک‌های بتموبیل دارد. جیسون بر خلاف دیک اعمال بتمن را زیر سوال می‌برد و عاقبت از دستورات وی سرپیچی می‌کند. این موضوع تا آن‌جا ادامه می‌یابد که جیسون به خطری برای خود و اطرافیانش تبدیل می‌شود. بتمن به این فکر می‌افتد که نقاب رابین را از وی بگیرد اما جیسون او را به نحوی متقاعد می‌کند که تصمیمش را تغییر دهد. سرانجام جیسون در می‌یابد که زنی که او را بزرگ کرده مادر واقعی او نیست و مصمم می‌شود که مادر حقیقی خود را پیدا کند. او به خاورمیانه سفر می‌کند اما به بتمن بر می‌خورد که به دنبال جوکر می‌گردد. جیسون به او توضیح می‌دهد که در جستجوی مادر حقیقی خود است. بتمن نگاهی به فهرست افراد احتمالی

می‌اندازد و یکی از اسم‌های موجود در فهرست را می‌شناسد: ساندرا ووسان که در اصل قاتلی به نام لیدی شیوا Shiva Lady است.

پس از یک درگیری مختصر با شیوا، بتمن دریافت که او مادر جیسون نیست. جیسون موفق به یافتن مادر خود یعنی شایلا هیوود شد و هویت مخفی خود را به او نشان داد اما شایلا او را به جوکر فروخت. مادر جیسون خود معاملات سری انجام داده بود و نمی‌خواست در مرکز توجهات قرار بگیرد به همین دلیل به جوکر حق السکوت پرداخت می‌کرد. جوکر جیسون را با یک دیلم به طرز وحشیانه‌ای کتک زد و سپس بمبی را منفجر کرد که سبب مرگ جیسون و مادرش شد. این اتفاقات در جریان مجموعه داستان «مرگ در خاندان Death in the family» رخ دادند.



جسد جیسون در آغوش بتمن - کمیک مرگ در خاندان

بعد از این واقعه‌ی دلخراش شخصیت بتمن تیره و تاریک‌تر و مبارزه‌اش با جرم و جنایت شدیدتر و خشن‌تر شد. تیم درک Tim Drake پسری که از نزدیک شاهد به قتل رسیدن خانواده‌ی گریسون بود، متوجه شد که رفتار بتمن پس از مرگ رابین خشن شده است. او دریافت که اولین رابین دیک گریسون بود و با این وجود بروس وین هم می‌بایست بتمن بوده باشد. تیم می‌دانست که بتمن در مبارزاتش به دوست و یاور نیاز دارد. بعد از تلاش ناموفقش

برای قانع کردن دیک به همکاری دوباره با بتمن، دیک برای این که بروس را در وضعیت روانی سالم نگه دارد از وی تقاضا کرد که تیم را آموزش دهد تا به رابین بعدی تبدیل شود. سرانجام تیم پس از پشت سر گذاشتن آموزش‌هایی طاقت فرسا به رابین جدید تبدیل شد.

در ابتدای مجموعه داستانی «سقوط شوالیه Knightfall» شخصیت منفی جدیدی به نام «بین Bane» بتمن را فلج می‌کند. این اتفاق سبب می‌شود که بتمن از ازرائیل بخواهد که وظیفه‌ی وی را به گردن بگیرد. بعد از پایان مجموعه‌ی غروب شوالیه خط داستانی این سری به دو قسمت تقسیم شد و هر دو جنبه را در بر گرفت: یک خط داستانی راجع به ماجراهای ازرائیل در قالب بتمن بود و دیگری سفر و تلاش بروس وین برای تبدیل شدن دوباره به بتمن را دنبال می‌کرد. در مجموعه داستانی «فرجام شوالیه KnightsEnd» شخصیت ازرائیل بیش از پیش دست به خشونت زد و سرانجام بروس وین که بهبود یافته بود وی را شکست داد. سپس وین شل بتمن را موقتاً به دیک گریسون (نایت وینگ Nightwing) سپرد تا در این مدت با انجام تمرین‌هایی خود را دوباره آماده سازد.

تلاقی داستانی (کراس‌اور) «ساعت صفر Zero Hour» (لحظه‌ی آغاز) در سال ۱۹۹۴ دوباره بر داستان‌های شرکت دی‌سی کامیکس - از جمله بتمن - تاثیر گذاشت. در میان این مجموعه تغییرات، برجسته‌ترین مورد این است که در داستان‌های بتمن، عوام مردم و جنایتکاران به بتمن به دید یک افسانه‌ی شهری نگاه می‌کنند تا یک قهرمان معروف. همچنین، قاتل خانواده‌ی وین هیچ‌گاه پیدا نشد و شخصیت جو چیل نیز از این مجموعه حذف و فرض شد داستان‌هایی نظیر «سال دوم» هیچ‌وقت در دنیای اصلی اتفاق نیافتاده‌اند.

در بازنشر مجموعه داستانی لیگ عدالت به قلم گرنت موريسون در سال ۱۹۹۶ که لیگ عدالت آمریکا نام گرفت، بتمن بار دیگر به این گروه

پیوست. با وجود این که بتمن در بسیاری از پیروزی‌ها و موفقیت‌های لیگ عدالت آمریکا دخیل بود اما این گروه هیچ دخالتی در نجات بتمن و شهر گاتهام از فاجعه‌ای که در پایان این مجموعه داستان بدان گرفتار شد، نداشتند. در مجموعه داستان «ویرانی Cataclysm» منتشر شده به سال ۱۹۹۸، شهر گاتهام به وسیله‌ی زمین



لرزه ویران و سپس این شهر تماماً از کشور و دولت ایالات متحده‌ی آمریکا جدا شد. در داستان «سرزمین هیچ کس No Man's Land» چاپ شده به سال ۱۹۹۹، بتمن که از منابع تکنولوژیکی خود محروم شده بود برای باز پس‌گیری شهر گاتهام دست به مبارزه با دسته‌های تبهکاران می‌زد.

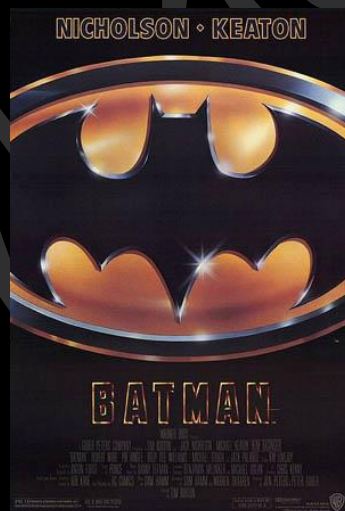
در همین زمان، رابطه‌ی بتمن و اداره‌ی پلیس گاتهام به دلیل اتفاقات داستان‌های «بتمن: پلیس مجروح» و «بتمن: مانور جنگ/جنایات جنگ» به تیرگی می‌گراید. در داستان پلیس مجروح یاران بتمن در اداره‌ی پلیس یعنی رئیس پلیس گوردون و هاروی بولاک اخراج می‌شوند. همچنین در داستان‌های جنایات جنگ و مانور جنگ، تصادفاً نقشه‌ی بتمن برای شکست دادن شبکه‌ی تبهکاری در گاتهام منجر به جنگ

بزرگ گانگستران با یکدیگر می شود و در نهایت این جنگ بلکه ماسک را به حکمران بلامنازع تبهکاران گاتهام سیتی تبدیل می کند. پس از این اتفاق بتمن به یک فراری تحت تعقیب تبدیل می شود. مشکل دیگری از جانب لکس لوتر (که در پس پرده ای اتفاقات کمیک «سرزمین هیچ کس» بود) به سراغ بتمن می آید. لوتر در صدد گرفتن انتقام از بروس وین است زیرا او باعث لغو شدن قراردادهای دولتی شرکت لوتر شده و از این طریق دست وی را از رسیدن به مقام ریاست جمهوری آمریکا کوتاه کرده بود. در مجموعه داستانی «بروس وین: قاتل؟» و «بروس وین: فراری»، لکس لوتر ترتیب قتل معشوقه ی بتمن به نام وسپر را می دهد (که در اواسط دهه ی نود معرفی شد). بتمن می تواند بی گناهی خود را ثابت کند اما در همین زمان او یکی دیگر از یاران خود به نام ساشا را از دست می دهد. ساشا محافظ شخصی بروس بود (از طرف تشکیلاتی به نام «کیش و مات Checkmate») و به دلیل این که از شهادت دادن علیه او سرباز می زند، به زندان می افتد. بتمن نمی تواند دست داشتن لوتر در قتل وسپر را ثابت کند به همین دلیل از تالیا الغول کمک می گیرد و داستان انتقام بتمن از لوتر در شماره ی ۱ تا ۶ کمیک سوپرمن/بتمن نقل می شود. بتمن نه تنها باعث به هم خوردن ماجرای ریاست جمهوری لوتر می شود بلکه در اقدامی اکثریت سهام شرکت لوتر را قبضه می کند و باعث ورشکستگی وی می شود.

سرانجام تیم درک تبدیل به رابین جدید می شود اما در همین زمان و دور از چشمان بتمن، راس الغول جیسون تاد را زنده می کند. هر چند احیای دوباره ی جیسون با موفقیت به انجام رسید اما عواقبی هم برای وی به دنبال داشت. جیسون زنده می شود اما دیگر هیچ عواطف و احساساتی ندارد و درد و رنجی را حس نمی کند. راس الغول به تالیا می گوید که عملیات احیای جیسون ناموفق بوده و به وی دستور می دهد که جیسون را بکشد. اما پس از مدتی تالیا به جیسون

دل بستگی پیدا می کند و تصمیم می گیرد که به جای کشتن جیسون بار دیگر او را به درون لازاروس پیت (یا گودال ایلعازر) بیاورد. این بار تمام خاطرات و احساسات و درد و رنج زندگی او باز می گردند. تالیا تصمیم می گیرد که جیسون را برای کشتن بروس وین و جوکر آماده کند و او را آموزش می دهد. سرانجام جیسون با بتمن و جوکر رو به رو می شود ولی نمی تواند هیچ یک از این دو نفر را بکشد. در همین دوره زمانی بود که مجموعه داستان بتمن/سوپرمن نیز خلق شد. این مجموعه ارتباط داستانی کمی نیز با مجموعه داستان های اصلی بتمن و سوپرمن داشت، هر چند بیش تر مواقع از خط داستانی مختص به خود برخوردار بود.

بتمن در سینما (معرفی فیلم) بتمن (۱۹۸۹)



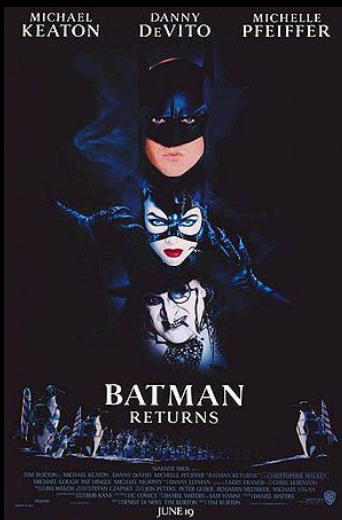
بتمن عنوان نخستین فیلم ابرقهرمانی از سری فیلم های بتمن به کارگردانی تیم برتون محصول ۱۹۸۹ است که بر پایه شخصیت خیالی بتمن ساخته شده است. در این فیلم مایکل کیتون در نقش بروس وین (بتمن) ظاهر شد و جک نیکلسون نقش جوکر را ایفا کرد.

بروس وین میلیونر معروف شهر گاتهام در هویت بتمن به مردم کمک می کند و تبهکاران را دستگیر می کند. هاروی دنت و کمیسر

گوردون هم در واحد پلیس به او کمک می کنند. اما باندی در گاتهام است که از طریق شخصی به نام کمیسر آکهارت وارد دفتر پلیس شده اند.

در آن سو خانمی به نام ویکی ویل به گاتهام می آید تا از حیات وحش گاتهام بازدید کند. او با بروس وین آشنا می شود و بروس او را به یک شام دعوت می کند. در آن سو بتمن باید به سراغ باند برود زیرا آنها در پی دزدی از بانکی هستند. درگیری پلیس و خلافکاران در فیلم دیدنی است. در پی این حادثه جک نیپر می میرد. اما چند روز بعد او با هویت جوکر باز می گردد و با کشتن رئیس سرده خلافکاران می شود و در جلسه ای به خلافکاران اعلام می کند اورئیس است اما خلافکاران قبول نمی کنند و جوکر رئیس دوم خلافکاران را می کشد سپس در رسانه های گاتهام تبلیغ محصول خود با نام smylex را می کند...

بازگشت بتمن (۱۹۹۲)



بازگشت بتمن دومین فیلم از سری فیلم های بتمن است که در سال ۱۹۹۲ به کارگردانی تیم برتون ساخته شده است. بازیگران این فیلم مایکل کیتون، میشل فایفر، کریستوفر واکن، دنی دیویتو بوده اند.

در این فیلم مایکل کیتون در نقش بتمن بازی کرده است. همچنین میشل فایفر نیز به ایفای

بتمن آغاز می کند (۲۰۰۵)



بتمن آغاز می کند، فیلمی ابرقهرمانی به کارگردانی و نویسندگی کریستوفر نولان است و بر پایه شخصیت بتمن است. کریستین بیل در نقش بتمن، به همراه مایکل کین، لیام نیسون، کیتی هلمز، گری الدمن و مورگان فریمن در این فیلم بازی کرده اند. این فیلم که بازراه اندازی مجموعه فیلم های بتمن به حساب می آید، داستان زندگی بروس وین را از ابتدا روایت می کند، ترس او از خفاشها، مرگ پدر و مادرش، داستان تبدیل شدنش به بتمن و مبارزه اش با رأس الغولی که قصد نابودی گاتهام سیتی را دارد. داستان این فیلم از کمیک های کلاسیکی مانند مردی که سقوط می کند، بتمن: سال اول و بتمن: هالوین طولانی اقتباس شده است.

پس از شکست فیلم بتمن و رابین در سال ۱۹۹۷، فعالیت هایی برای احیای این مجموعه انجام شد اما ناموفق بودند. نولان و دیوید اس. گویر در سال ۲۰۰۳ کار بر روی این پروژه را آغاز کردند و از همان اول سعی کردند لحنی تاریک تر به فیلم بدهند و انسانیت و واقع گرایی از پایه های فیلم باشد. هدف این بود که تماشاگر هم به بروس وین و هم به بتمن اهمیت بدهد. در این فیلم که به طور عمده در ایسلند و شیکاگو

کیدمن) مراجعه می کند. وبه کمک او می تواند مشکلاتش را حل کند. در این فیلم هم چنین کریس ادونل نقش رابین را بازی می کند.

بتمن و رابین (۱۹۹۷)



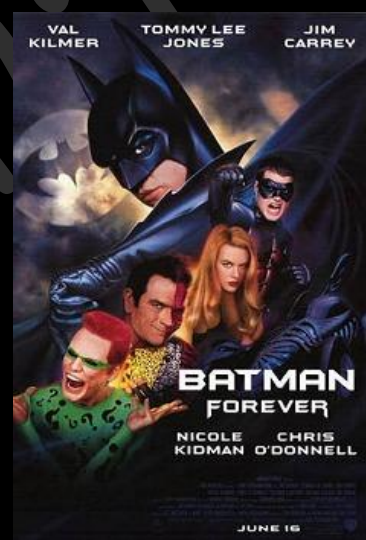
بتمن و رابین چهارمین فیلم از سری فیلم های بتمن است و در سال ۱۹۹۷ میلادی به کارگردانی جوئل شوماخر ساخته شد. در این فیلم جرج کلونی در نقش بروس وین (بتمن) بازی کرد. همچنین بازیگرانی چون آرنولد شوارتزنگر و کریس اودنل در این فیلم ایفای نقش کردند.

بتمن و رابین سعی دارند رابطه شان را حفظ کنند، زیرا باید آقای فریز (با بازی آرنولد شوارتزنگر) که قصد دارد گاتهام را منجمد کند، را متوقف سازند...

در ابتدا قرار بود دنباله ی دیگری هم برای این فیلم ساخته شود. اما این فیلم آنقدر افضاح بود که سازندگان را از این کار منصرف کرد.

نقش پرداخته است. در این فیلم بروس وین (بتمن) باید با کت وومن (میشل فایفر) و اسوالد کابلپات که به پنگوئن ملقب است مبارزه کند. پنگوئن به خاطر شکل غیر متعارفش از سوی پدر و مادرش طرد شده وبه آب انداخته شده است. جریان آب او را به باغ وحش شهر می رساند و حالا او بعد از ۳۳ سال می خواهد هویت واقعی خودش را کشف کند و همان طور از مردم شهر گاتهام انتقام بگیرد.

بتمن برای همیشه (۱۹۹۵)



بتمن برای همیشه سومین فیلم از سری فیلم های بتمن به کارگردانی جوئل شوماخر محصول سال ۱۹۹۵ است. در این فیلم وال کیلمر در نقش بروس وین (بتمن) بازی کرد. همچنین در این فیلم بازیگرانی چون نیکول کیدمن، جیم کری و تامی لی جونز ایفای نقش کردند.

هاروی دنت (تامی لی جونز) که دادستان سابق بود حالا پس از سوخته شدن نیمی از صورتش فرد شروری شده وبا کمک ادوارد نیگما (جیم کری) قصد نابودی بتمن را دارد. بروس وین (بتمن) نیگما را اخراج کرد چون معتقد بود اختراع او یعنی ماشین کنترل ذهن وسیله خوبی نیست. بتمن که به علت نزدیک شدن سالگرد درگذشت پدر و مادرش دچار مشکل روحی شده به روانپزشکی به نام جیس میرادان (نیکول

فیلم‌برداری شده، از تصاویر ساخته شده توسط رایانه خیلی کم استفاده شده است.

بتمن آغاز می‌کند هم در گیشه و هم در نظر منتقدان موفق بود. این فیلم در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۵ در ایالات متحده و کانادا در ۳۰۸۵۸ سالن سینما اکران شد. در هفته اول اکران، ۴۸ میلیون دلار در آمریکا و کانادا فروش داشت. در نهایت هم با فروش جهانی ۳۷۴ میلیون دلار به کار خود پایان داد. این فیلم توسط منتقدان تحسین شد و بسیاری آن را یکی بهترین فیلم‌های ابرقهرمانانه تاریخ خواندند. منتقدان به این نکته اشاره کردند که ترس موضوع اصلی فیلم است و نسبت به فیلم‌های قبلی فضای تاریک‌تری دارد. این فیلم نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم‌برداری و سه جایزه بفتا گردید.

شوالیه ی تاریکی (۲۰۰۸)



شوالیه تاریکی یا شوالیه سیاه فیلمی ابرقهرمانی، محصول سال ۲۰۰۸ به کارگردانی کریستوفر نولان و دنباله فیلم بتمن آغاز می‌کند است. کریستین بیل در نقش بروس وین/بتمن، مایکل کین در نقش آلفرد پنی‌ورث، گری الدمن در نقش جیمز گوردون و مورگان فریمن در نقش لوشس فاکس، همگی نقش‌های خود در فیلم قبلی را ایفا کرده‌اند. همچنین آرون اکهارت در نقش هاروی دنت، مگی جیلنهال در نقش ریچل

داوس و هیت لجر در نقش جوکر در این فیلم ظاهر شده‌اند.

نولان برای داستان فیلم از داستان اولین کمیک بک با حضور جوکر که در سال ۱۹۴۰ منتشر شد، رمان تصویری شوخی مرگبار و سری کمیک بوک‌های هالوین طولانی الهام گرفت. لقب شوالیه تاریکی اولین بار توسط بیل فینگر در کتاب بتمن (شماره ۱) برای بتمن به کار رفته است. شوالیه تاریکی به طور عمده در شیکاگو تصویر برداری شده و بقیه مکان‌های این فیلم چند شهر دیگر در آمریکا، بریتانیا و هنگ کنگ است. نولان برای تصویر برداری چند سکانس فیلم از دوربین‌های آی مکس استفاده کرد، از جمله سکانس اولین حضور جوکر در فیلم. در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۸، چند ماه پس از ایفای نقش در فیلم شوالیه تاریکی و شش ماه قبل از اکران عمومی فیلم، هیت لجر به علت مسمومیت بر اثر استفاده از چند دارو با هم درگذشت. این رویداد باعث بیشتر شدن توجه رسانه‌ها به این فیلم شد.

شوالیه تاریکی در ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۸ در استرالیا، ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۸ در آمریکای شمالی و ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۸ در بریتانیا اکران شد و نظرات بسیار مثبتی از سوی منتقدان دریافت کرد و به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های ابرقهرمانی و یکی از بهترین فیلم‌های دهه ۲۰۰۰ میلادی شناخته شد. همچنین این فیلم موفق شد چندین رکورد گیشه‌ای را جابه‌جا نماید. شوالیه تاریکی نامزد دریافت ۸ جایزه اسکار شد که از این بین، جایزه بهترین تدوین صدا و بهترین موسیقی متن برای هنس زیمر و جیمز نیوتون هاوارد و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برای هیت لجر را دریافت کرد.

شوالیه ی تاریکی برمی خیزد (۲۰۱۲)



شوالیه تاریکی برمی‌خیزد نام فیلمی ابرقهرمانی، محصول سال ۲۰۱۲ به کارگردانی کریستوفر نولان است. کریستوفر نولان به همراه برادرش، جانانا، فیلم‌نامه فیلم را نگاشته و به همراه دیوید اس. گویر داستان آن را طراحی کرده است. این فیلم سومین و آخرین قسمت سه‌گانه کریستوفر نولان است. کریستین بیل در نقش بروس وین/بتمن، مایکل کین در نقش آلفرد پنی‌ورث، گری الدمن در نقش جیمز گوردون و مورگان فریمن در نقش لوشس فاکس، همگی نقش‌های خود در دو فیلم قبلی را ایفا کرده‌اند. همچنین آن هاتاوی در نقش سلینا کایل، ماریون کوتیار در نقش میراندا تیت و تام هاردی در نقش بین ظاهر شده‌اند.

ابتدا نولان برای بازگشت به این پروژه، مردد بود، اما بعد از آن که به همراه دیوید اس. گویر و برادرش داستانی برای این فیلم ساخت، احساس کرد که می‌تواند برای این مجموعه، پایان رضایت‌بخشی داشته باشد. نولان از کتاب‌های سقوط شوالیه، شوالیه تاریکی بازمی‌گردد و سرزمین هیچ کس برای طراحی داستان این فیلم استفاده نمود. شهرهای جوداپور، ناتینگهام، گلاسگو، لس آنجلس، نیویورک، نیوآرک و پیتسبورگ لوکشین‌های این فیلم بودند.

فروش قرمز شوالیه تاریکی برمی‌خیزد در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۲ در نیویورک برگزار شد. این فیلم در ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۲ در استرالیا و نیوزیلند و در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۲ در آمریکای شمالی و بریتانیا اکران شد. بعد از انتشار فیلم، بازخوردهای مثبتی از سوی منتقدان دریافت شد و همچنین بیش از ۱۰۰۸۱ میلیارد دلار در گیشه فروخت که آن را تبدیل به یازدهمین فیلم پرفروش تاریخ، سومین فیلم پرفروش سال ۲۰۱۲ و سومین فیلم پرفروش ابرقهرمانی در تاریخ کرد.

بتمن در برابر سوپرمن: طلوع عدالت (۲۰۱۶)



بتمن در برابر سوپرمن: طلوع عدالت فیلم ابرقهرمانی آمریکایی است که بر پایه شخصیت‌های دی‌سی کامیکس ساخته شده است. این فیلم دنباله مرد پولادین می‌باشد. زک اسنایدر کارگردانی این فیلم را بر عهده داشته و دیوید اس. گویر و کریس ترپو فیلم‌نامه آن را نگاشته‌اند. بن افلک، هنری کاویل، گل گدوت، امی آدامز، لارنس فیشبرن، دیان لین، جسی آیزنبرگ، جرمی آیرونز و هالی هانتز در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. بتمن و سوپرمن: طلوع عدالت نخستین فیلم در تاریخ سینما به شمار می‌رود که بتمن و سوپرمن با هم در آن حضور دارند؛ همچنین نخستین حضور سینمایی شخصیت‌های واندر وومن، آکومان و سایبورگ نیز می‌باشد.

بعد از انتشار مرد پولادین، در کامپیک کان سن دیگو ۲۰۱۳، خبر ساخت این فیلم اعلام شد. در

ژوئن ۲۰۱۳، گویر و اسنایدر هر دو به این پروژه بازگشتند. اسنایدر اعلام کرد این فیلم از مجموعه شوالیه تاریکی برمی‌خیزد نوشته فرانک میلر الهام می‌گیرد، ولی داستانی متفاوت خواهد داشت. پیش‌تولید از اکتبر ۲۰۱۳ و فیلم‌برداری آن از مه ۲۰۱۴ در دیترویت، میشیگان آغاز گردید و در دسامبر همان سال به پایان رسید.

طلوع عدالت توسط برادران وارنر در ۲۵ مارس ۲۰۱۶ در ایالات متحده به صورت دوبعدی، سه‌بعدی و سه‌بعدی آی‌مکس اکران شد. منتقدان فیلم طلوع عدالت را ایراختند و فیلم نقدهایی منفی دریافت کرد.

افسانه‌ی سیاه پوش در بازی های رایانه‌ای

بتمن: تیمارستان آرکهام (۲۰۰۹)



این بازی اولین قسمت از سری بازی های بتمن: آرکهام می باشد.

بازی از جایی شروع می شود که بتمن جوکر را پس از آخرین نقشه و دسیسه اش دستگیر می کند و تصمیم می گیرد که او را برای زندانی کردن به Arkham ببرد.

بازی در تیمارستان Arkham دنبال میشود که باعث می شود که بازی دارای وسعت بسیار زیادی نباشد.

یکی از منحصر ترین چیزها در مورد بازی این است که شما این محیط را از دنیای بتمن دارید که هیچ کس تا کنون وارد آن نشده و آن را تجربه نکرده، حتی در فیلم ها. بنابراین این واقعاً عالی است که فرصت تجربه کردن این بازی را داشته باشید.

بازی با موتور قدرتمند Unreal Engine 3 ساخته شده است و دارای گرافیک قابل قبولی می باشد.

بتمن: شهر آرکهام (۲۰۱۱)



این بازی به عنوان دومین قسمت در مجموعه بازی های بتمن: آرکهام محسوب می شود. فضا و داستان شهر آرکهام توسط نویسنده کهنه کار کتاب های مصور پال دینی طراحی شده است؛ تیمارستان آرکهام را نیز او طراحی کرده بود. داستان اصلی بازی پیرامون زندانی شدن بتمن در گاتهام سیتی می گذرد؛ زندان جدیدی که پنج برابر بزرگتر از تیمارستان آرکهام است.

در این نسخه بازیکنان با داستانی پیچیده تر و بسیار مرموز مواجه می شوند که بسیار هیجان انگیز و کمی دلهره آور است. بازی از جایی آغاز می شود که بروس وین میلیاردر گاتهام سیتی و مرد پشت نقاب بتمن، در یک سخرانی مخالفت هایش را با اقداماتی که قرار است برای تیمارستان آرکهام صورت بگیرد، اعلام می کند. اقداماتی که باعث می شود گاتهام سیتی به مکانی خطرناک تر از قبل برای شهروندانش تبدیل شود، اما در زمان این مصاحبه، وین توسط

نیروهای امنیتی ناشناسی مورد حمله قرار می‌گیرد و به مکانی ناشناس برده می‌شود. وین در آنجا به هوش می‌آید و پروفسور هیوگو استرنج را مشاهده می‌کند. کسی که از هویت اصلی او باخبر است و می‌داند که بتمن همان بروس است.

اتفاقات زیادی رخ می‌دهند، اما وین موفق به فرار می‌شود. این ماجرا تنها شروع یک اتفاق بزرگ برای وین و بتمن است. در ادامه مشخص می‌شود که افراد دیگری مانند جوکر، پنگوئن، آقای فریز، دوچهره و... در این اتفاقات دست دارند. بازی از جایی هیجان انگیزتر می‌شود که بتمن در ادامه تحقیقاتی که برای پی بردن به راز این اتفاقات شروع کرده، در دام یکی از حقه‌های جوکر گرفتار می‌شود و این موضوع باعث می‌شود که بتمن تنها ۲۴ ساعت برای پیدا کردن راه حلی برای حفظ جان خود و مردم شهر فرصت داشته باشد.

بتمن: ریشه های آرکهام (۲۰۱۳)



در ۲۵ اکتبر سال ۲۰۱۳ سومین نسخه از سری آرکهام بتمن برای کنسول‌های نسل هفتم و PC توسط استودیو بازی مونتال برادران وارنر ساخته و منتشر گردید.

وقایع بازی Batman: Arkham Origins پنج سال قبل از وقایع تیمارستان آرکهام رخ می‌دهد. از منظر ظاهری بتمن، قهرمان این بازی،

جوان‌تر و چالاک‌تر از بتمن نسخه‌های پیشین به نظر می‌رسد.

داستان Batman Arkham Origins به پنج سال قبل از وقایع نسخه‌های قبلی می‌پردازد. در شب‌های تاریک گاتهام و خصوصاً شب کریسمس، فردی به نام Black Mask طی اطلاعیه‌ای به تمام خلافکاران این شهر وعده یک جایزه ۵۰ میلیون دلاری را به ازای کشتن بتمن و آوردن سر وی می‌دهد. خلافکارانی نظیر CORC، Killer، Deadshot، Shiva، Bane، Deathstroke و سایرین به دنبال به قتل رساندن بتمن هستند.

بتمن: شوالیه ی آرکهام (۲۰۱۵)

این قسمت، آخرین قسمت و بهترین قسمت از سری بازی‌های بتمن: آرکهام می‌باشد. استودیوی راک استدی شخصیتی جدید به این اضافه کرد که قبلاً در کمیک‌ها نبود.

این را هم بگویم که این بازی پراز ترس و دلهره است. از زهر ترک شدن تان توسط من بت و شوالیه ی آرکهام گرفته تا ترسیدن تان توسط خود بتمن و حضور ناگهانی و بی موقع جوکر، جوکری که سالهاست مرده است و اصلاً قرار نیست حضوری داشته باشد!



بتمن در اینجا شما را زهر ترک می‌کند!



این بازی لعنتی پر است از ترس های ناگهانی!

Arkham Knight یک سال بعد از حوادث Arkham City جریان دارد. شهروندان Gotham نسبت به قبل احساس امنیت بیشتری می‌کنند. Joker مرده است و آمار جرم و جنایت کم شده است. علی‌رغم این اتفاقات، Batman همچنان در پی ساخت وسایل جدید برای مبارزه است و هر شب شهر و اهالی آن را در نظر دارد. او می‌داند که چیزی درست نیست ولی تا حادثه‌ای اتفاق نیفتاده او همچنان باید منتظر بماند.

داستان اصلی بازی یک سال پس از بتمن: شهر آرکهام در جریان است و بتمن، در اوج توانایی‌ها و قابلیت‌های خود، به نبرد با ضدقهرمانی به نام مترسک می‌پردازد که به شهر آرکهام برگشته تا دشمنان بتمن را متحد کند و طی نقشه‌ای شوالیه تاریکی را به قتل برساند. او گاتهام را آلوده به یک گاز ترس خطرناک می‌کند، به همین دلیل گاتهام خالی از سکنه می‌شود و تنها جنایتکاران باقی می‌مانند. در این میان بتمن با تعقیب مترسک متوجه می‌شود که او آبی سمی را به دلیل عدم پیوستن به نقشه مترسک زندانی کرده است. بتمن آبی را پس از یک درگیری کوچک به پلیس تحویل می‌دهد. بتمن با اراکل ملاقات می‌کند و متوجه می‌شود که مترسک از کارخانه ی مواد شیمیایی آس (Ace) برای تولید یک گاز بسیار خطرناک استفاده می‌کند. بتمن برای دستگیری مترسک وارد کارخانه می‌شود، اما در آنجا با یک دشمن جدید به نام شوالیه آرکهام و لشکر عظیم او مواجه می‌شود.



اولین برخورد بتمن با شوالیه ی آرکهام

شوالیه آرکهام که تنفر عمیقی از بتمن دارد، سعی میکند به وسیله ی ارتش خود که "میلیشیا" نام دارد، بتمن را نابود کند. اما بتمن با کمک بتموبیل موفق می شود تعدادی از نیرو های میلیشیا را نابود کند و مترسک را پیدا میکند، مترسک افشا میکند که اوراکل (باربارا گوردون) را دزدیده است. همچنین او کل ساختمان را تبدیل به یک بمب سمی خطرناک کرده است. بتمن موفق میشود خطر بمب را خنثی کند اما به طور ناگهانی با دشمن قدیمی اش جوکر رو به رو میشود.



جایی که برای اولین بار توسط این لعنتی دوست داشتنی زهر ترک می شوید!

در این لحظه طی یک فلشبک داستانی متوجه میشویم که قبل از مرگ جوکر خون او به پنج نفر منتقل شده و این پنج نفر از لحاظ اخلاقی و رفتاری شبیه جوکر شده اند، اما تنها چهار نفر از این افراد دستگیر شده اند و نفر پنجم در واقع خود بتمن است (این اتفاق در بازی شهر آرکهام افتاد).



بتمن در حال تبدیل شدن به جوکر! به چشمان سبزش دقت کنید!

اما وی آلوده شدنش را از سایرین مخفی می کند. جوکر اکنون به دلیل اثرات گاز مترسک و وجود خون او در بتمن میتواند به او تسلط داشته داشته باشد و مدام در صحنه های مختلف ظاهر می شود و به مسخره کردن بتمن میپردازد. بتمن

از ساختمان در حال انفجار فرار میکند و به جیمز گوردون اطلاع میدهد که دخترش دزدیده شده است. بتمن متوجه میشود که مترسک یک تاجر ثروتمند به نام "سایمون استگ" را به خدمت گرفته تا دستگاهی به نام "رگبار" را برای او بسازد، او به وسیله این دستگاه می تواند گاز سمی اش را در تمام گاتهام انتشار دهد. بتمن در کشتی هوایی استگ با مترسک رو به رو میشود. این در حالی است که وجود ماده ی سمی باعث می شود تا جوکر بتواند کنترل بتمن را به دست بگیرد. از سوی دیگر شوالیه ی آرکهام در تلاش است تا رگبار را خارج کرده و آن را فعال کند. هارلی کوین وارد پایگاه بتمن در استودیوی فیلم سازی پینسا می شود تا نمونه های جوکر را آزاد کند. بتمن و رایین با کمک یکدیگر هارلی را دستگیر می کنند، اما یکی از نمونه های جوکر، سایرین را از بین می برد و سپس با اشاره به این موضوع که بهترین جانشین برای جوکر خود بتمن است، خودکشی می کند. رایین که حالا متوجه آلوده شدن بتمن شده است، تلاش می کند تا او را زندانی کند، اما بتمن با هوشمندی رایین را به دام می اندازد تا بتواند مترسک را دستگیر کند.

شوالیه ی آرکهام رگبار را فعال می کند و کل شهر را آلوده به سم می سازد. بتمن با نابود کردن رگبار سعی می کند تا جلوی شیوع بیشتر سم را بگیرد و سپس آیوی را متقاعد می کند تا با قدرت بخشیدن به یک درخت باستانی، آثار مسمومیت را خنثی کند. آیوی موفق می شود تا این کار را انجام دهد، اما به خاطر نیروی زیادی که از دست می دهد، از پای درمی آید. از سوی دیگر تماس بیشتر بتمن با ماده ی سمی، تسلط جوکر روی او را بیشتر از قبل کرده است.

بتمن با تعقیب شوالیه ی آرکهام به ساختمانی می رسد که گوردون را در آنجا زندانی کرده اند. در این لحظه شوالیه ی آرکهام هویت واقعی خودش را افشا می کند و می فهمیم که او همان

«جیسون تاد» یعنی رایین سابق است که تا کنون فکر می کردیم توسط جوکر کشته شده است. تاد بتمن را سرزنش می کند و او را به خاطر تنها رها کردنش مقصر می داند؛ با اینکه بتمن به تاد قول کمک می دهد، اما او پا به فرار می گذارد.

بتمن و گوردون روی بام ساختمان با مترسک مواجه می شوند. در این لحظه مشخص می شود که اوراکل نمرده است و خودکشی او حاصل یکی از توهمات ذهنی بتمن بوده است. بتمن اوراکل را پیدا می کند و او را به اداره ی پلیس شهر گاتهام می برد، اما مترسک با به دام انداختن گوردون فرار می کند. مترسک با کمک ارتش باقیمانده از افراد شرور به اداره ی پلیس حمله می کند تا بتمن و دوستانش را نابود سازد. بتمن با کمک اوراکل حمله ی آنها را خنثی می کند، اما مترسک موفق می شود تا رایین را بدزد و با خود ببرد. مترسک برای همه ی مردم دنیا، هویت واقعی بتمن را آشکار می سازد. در حالی که مترسک سعی می کند تا با تزریق پیاپی سم به بدن بتمن، ابهت این قهرمان را در جهان از بین ببرد، بتمن در داخل ذهنش با جوکر در حال نبرد است. جوکر با شمردن تعداد افرادی که به خاطر مبارزات بتمن جانشان را از دست داده اند تلاش می کند تا او را آزرده خاطر نماید، اما در نهایت این بتمن است که با شکست دادن جوکر، او را برای همیشه از ذهن خود پاک می کند.



بتمن جوکر را برای همیشه از ذهن خود پاک می کند و بالاخره بر بزرگترین ترسش غلبه می کند!

در ادامه شوالیه ی آرکهام از راه می رسد و بتمن را از دست مترسک نجات می دهد.



بتمن کردن جوکر را می شکند!!!!!! البته در خیالاتش!

در حالی که گوردون نیروهای پلیس را برای پاکسازی خیابان‌ها از خلافکاران اعزام می‌کند، بتمن که حالا هویت واقعی‌اش فاش شده است، تصمیم می‌گیرد تا برای امنیت مردم گاتهام، پروتکل نایف‌ال را اجرا کند. طبق این پروتکل، بروس وین (بتمن) از میان ازدحام خبرنگاران، به دوست قدیمی‌اش «آلفرد» می‌پیوندد و با هم وارد عمارت وین می‌شوند. تنها چند ثانیه پس از ورود آنها، عمارت منفجر می‌شود و در ظاهر هر دوی آنها می‌میرند.

حدود یک سال بعد، گوردون که حالا شهردار گاتهام است، خود را برای حضور در مراسم ازدواج اوراکل و رابین آماده می‌کند. در گوشه‌ای دیگر و در یکی از کوچه‌های تاریک شهر، دو تبهکار به یک خانواده حمله می‌کنند (این صحنه دقیقاً شبیه صحنه‌ای است که والدین بروس در آن کشته شدند)، اما ناگهان با یک شیخ سیاه روبرو می‌شوند؛ در عین ناباوری، این شیخ شباهت زیادی به مرد خفاشی دارد و آن‌ها را متوقف می‌کند.

احتمالات زیادی در مورد پایان بازی وجود دارد، اما محتمل‌ترین آن‌ها این است که: بتمن برای در امان ماندن اطرافیانش مرگ خود را جعل کرده و از گاز ترس مترسک برای ترساندن دشمنان استفاده می‌کند و به یک بتمن تمام وقت تبدیل می‌شود.



تأثیرات بتمن روی افراد (کاسپلی ها)

در طول سالیان اخیر افراد بسیاری با الهام از شخصیت های بتمن سعی در ایجاد کاسپلی های آنها کرده اند. یکی از این افراد که ایرانی هم می باشد فرزاد امیری می باشد که روی شخصیت های بسیاری از جمله دث استروک کار کرده است.

در ادامه برخی از عکس های این کاسپیلر را خواهید دید.



و سخن آخر...

این بنده ی حقیر امیدوارم که شما خوانندگان گرامی از این مقاله لذت برده باشید و بنده توانسته باشم اطلاعاتی هر چند کم را در اختیار شما عزیزان قرار داده باشم. سعی کردم مطالب را به صورت جامع و کلی در اختیار شما بگذارم؛ وگرنه بتمن گسترده تر از این هاست بتوان در یک مقاله آن را جمع بندی کرد - چنان که در دانشگاه ویکتوریا رشته ای به نام «علم بتمن» تدریس می شود. نظرات و انتقادات خود را درباره ی این مقاله با من در میان بگذارید.

Email: sinabayat204@gmail.com

Telegram: @phantom_x2

